

نظم کلیسا

🕊 اینجا، چطور روشنش می‌کنید؟ بله، بسیار خوب، بله...! [فضای خالی بر روی نوار-گروه تألیف.] آماده باشید تا آنها را خاموش کنند. سپس سرم را به این صورت به طرف شما برمی‌گردانم. می‌بینید؟ ملاحظه می‌کنید؟ حرکت سرم به سمت شما... [یک نفر می‌گوید: «چه زمانی می‌خواهید این کار را انجام دهم؟» یک نفر می‌گوید: «گفت که روشنش کن.»]

برادران، هدف از برگزاری این جلسه در اینجا و امشب این است که بدانیم چگونه باید کلیسای خدای زنده را اداره کرد، زیرا باور داریم که جزئی از این کلیسا هستیم.

۲ در وهله‌ی نخست مایلیم، دوست دارم بگویم که با احتساب سفرهایم به دور دنیا، تا جایی که اطلاع دارم اینجا یکی از روحانی‌ترین مکان‌هایی است که در آن، بیش از هر جای دیگری که می‌شناسم حضور روح خدا را حس می‌کنید. زمانی دو مکان دیگر چنین جایگاهی در ذهنم داشتند ولی اکنون دیگر به نظر نمی‌رسد که بتوانیم آن مکان‌ها را در این شکل و شمایل ببینیم. یکی از آنها به راه تشکّل‌ها رفت و دیگری به نوعی فروافتاده است.

۳ چنانکه می‌دانید دیروز در تماسی به من گفتند که همه‌ی شما خواهان برگزاری جلسه‌ی پرسش و پاسخ در خصوص وظایفتان در این کلیسا هستید و من... امشب برای همین اینجا هستم... برای نظم دهی به کلیسا یا برای اینکه نکات و مطالبی که فکر می‌کنم برای تداوم این کلیسا اهمیت بنیادین دارد را در اختیارتان قرار دهم.

۴ برادران، مطمئنم وقتی گفتم که اینجا مکانی روحانی است، متوجه منظورم شده‌اید. [اینجا] بزرگترین مکان در دنیا نیست و در آن بیشترین سرودخوانی‌ها، فریادها، بانگ‌ها و میزان تکلم به زبان‌ها و مواردی از این دست را نمی‌یابید بلکه منظور کیفیت روح خداست که اینجا و در این خیمه عمل می‌کند. و مایلیم همین‌جا مراتب تحسین و قدردانی خود را نسبت به برادر نویل اعلام کنم و همچنین نسبت به شما برادران، امنا، شماسان، سرپرست مدرسه‌ی یکشنبه و همگی به خاطر کارهایی که انجام دادید تا اینجا را در شرایط مناسب حفظ کنید. از آن زمان که جوان بودم دعای دیرینه‌ام این بود که شاهد برقراری و حفظ نظم در کلیسا باشم.

۵ باری، هنگام وقف کلیسا به شما گفتم: «اندکی که بگذرد لازم است درباره‌ی مطلبی با شما صحبت کنم.» یعنی در این خصوص که چگونه باید به این مسئله سر و سامان داد و کار چگونه باید اداره شود. و شما به این ترتیب آغاز کردید... پس از رفتنم خادمان بسیاری در اینجا مشغول شدند. اما بعد برادر نویل که از نوآمدگان جوان در میان ما بود، به جمع ما آمد. سپس فکر کردم که پیش از ورود به مباحثی که اینک در آستانه‌ی ارائه‌اش هستم، بهتر است برادر نویل بیشتر در ایمان استوار شود. ولی اکنون پس از مشاهده‌ی اینکه ایشان در ایمان ثابت قدم بوده و آموزه را درک کرده و نقش یک

شاهد وفادار و امین مسیح را ایفا کرده و آنچه به باور ما حقیقت است را پاس می‌دارد، فکر می‌کنم اکنون زمان مورد نظر فرارسیده و موقعیت مناسبی است تا او را نزدیک بیاوریم به... میان شما که مشایخ و دست‌اندرکاران این مکان و کلیسا هستید به نحوی که این فرامین را دریافت نمایید و آنها را به خاطر بسپارید، نکاتی که چکیده‌ی نهایت شناخت و دانشم در برابر خداست. با این حساب نگاهم به شماست تا این مطالب را به همان شکل که می‌گویم پیاده کنید چون لازم است یک نفر در اینجا در رأس باشد. لازم است شما دارای...

۶ باری، در پی کسب قدرت یا چنین کاری نیستم ولی توجه دارید که انسان یا هر موجودی که دو سر داشته باشد نمی‌داند کجا برود و چگونه حرکت کند. خدا هیچ‌گاه دو رأس و سر را بر روی کلیسای خود قرار نداده است، او هرگز چنین نکرده، فقط یک سر وجود دارد. چنانکه سراسر نگاهشها را بررسی کردیم او در هر نسل همواره یک فرد را داشت و با آن فرد سر و کار داشت. چون وقتی دو نفر باشند دو طرز فکر و دیدگاه وجود دارد. و لازم است که کار به یک مرجع مطلق نهایی منتهی و ختم شود و مرجع مطلق من کلام و کتاب مقدس است. بلی به عنوان شبان اینجا و کلیسا، مرجع مطلق من کلام است و دلم می‌خواهد... می‌دانم که شما برادران ما به من به عنوان مرجع خود می‌نگرید تا کدام... مادامی که از خدا پیروی می‌کنم چنانکه پولس در نگاهشهای مقدس گفت: «پس اقتدا به من نمایید چنانکه من نیز به مسیح می‌کنم.»

۷ و به این ترتیب انتظارم از شما برادران این است که هر وقت شاهد فاصله گرفتم از این نگاهشهای مقدس بودید به صورت خصوصی پیش من آمده و گوشزد کنید که اشتباهم کجاست. چه یکی از امناء باشید چه یک سرایدار برایم فرقی نمی‌کند، هر که هستید از وظایفی که به عنوان یک برادر مسیحی نسبت به من دارید و در بند آن هستید این است که وقتی از نظر کتاب مقدسی در اشتباه هستم این نکته را به من بگویید. اگر مسئله‌ای وجود دارد بیابید بنشینیم و آن را با یکدیگر حل کنیم.

۸ گمان می‌کنم امشب هم به همین دلیل پیش من آمدید یا مرا به اینجا آوردید چون اینجا سؤالاتی وجود دارد و ظاهراً ذهن شما درگیر این سؤالات است یعنی همین نوشته‌هایی که اینجا دارم. و اما برادران یادتان باشد که نمی‌دانم... نام یا امضایی روی هیچ یک از این برگه‌ها نیست ولی... مطالبی روی آن نوشته‌اند و نمی‌توانم... نمی‌دانم چه کسی آنها را نوشته اما سؤالاتی است که در ذهن شماست و اینجا هستم تا به میزان دانشم به آنها پاسخ دهم.

۹ و یادتان باشد چشم و حواس خدا متوجه من است و انتظار دارد در چهارچوب کلام بمانم. و توجه داشته باشید که چشم من به شماست تا کلام را در این کلیسا پیاده کنید. و کلیسا را در شرایطی روحانی حفظ کنید. یادتان باشد که وقتی در خداوند شروع به رشد می‌کنید کلیه‌ی قوا و نیروهای پادشاهی ظلمانی شیطان به سراغ شما آمده و به مقابله با شما خواهند برخاست. پس شما باید از جنس سربازان باشید و نه صرفاً مانند تازه‌سربازها. اینک شما سربازانی کهنه‌کار هستید و برای جنگیدن آموزش دیده‌اید. و شیطان به میان شما خواهد آمد و اگر بتواند شما را به مشاجره با یکدیگر

خواهد کشاند. فوراً او را برانید، شما برادر هستید و او دشمن است. ما اینجا هستیم تا در این موعد که زمان روشنایی شامگاهان است یعنی زمانی که تاریکی جهان را فرا گرفته و کل قلمرو کلیسایی وارد شورای کلیساها می‌شود، پرچم را برافرازیم. به زودی بر آن خواهند شد تا تابلوی «بسته شد!» را با میخ روی این در کوبانده و نصب کنند. و سپس مجبور خواهیم شد تا در مکان‌های دیگر با یکدیگر دیدار کنیم چون اگر علامت وحش را نپذیریم یقیناً یکی از همین روزها این کلیساها را خواهند بست. و سرنوشت ما در گرو این است که نسبت به خدا امین بمانیم یعنی تا وقتی مرگ آزادمان کند و قصد داریم همین کار را بکنیم.

۱۰ باری یکراست به... قابل توجه شما و خواهش ما این است که اگر زمانی پرستی در رابطه با یکی از این نکات مطرح شد در جلسات خود یا پیش از جلسه یعنی درست پیش از آغاز جلسه این نوار را در حضور اعضای این کلیسا پخش کنید. دستگاه را روشن کنید و این نوار را پخش کنید! باشد این جماعت درک کند که این آقایان موظفند بنا بر سوگند خود در این کلیسا، نسبت به پاسداشت این اصول اهتمام ورزند. ممکن است شما با آنها موافق نباشید و چنانچه اداره‌ی کار را به شما بسپارم شاید من نیز با شما موافق نباشم. پس لازم است جایی منبعی داشته باشیم، محلی که جایگاه مرجع غایی را داشته باشد. و به بهترین شکل ممکن این مطلب را تحت نظارت روح‌القدس ارائه می‌کنم و اجازه می‌دهم تا او مرجع غایی من باشد. بگذارید این نوار مرجع نهایی شما در خصوص این مسائل و پرسش‌ها باشد.

بله، نخستین پرسش چنین است:

۲۲۰. کلیسا در قبال درخواست‌هایی از نوع کمک مالی، خوراک و پوشاک چگونه باید عمل کند؟ چه اقدامی باید صورت گیرد، کلیسا باید چه‌چه کند؟

۱۱ پیداست که کلیسا در قبال جماعت خود مسئول است به عبارتی ما در حد توان، نسبت به تأمین نیازهای اعضای این کلیسا مسئولیت کامل داریم. در قبال جماعت خود یعنی کسانی که اعضای ثابت و همیشگی خیمه بوده و برای پرستش به اینجا می‌آیند، مسئولیت داریم. نسبت به آن خواهران و برادرانمان که ثابت کردند از اعضای ما در این جمع هستند، وظایف و تعهدات الزام‌آور داریم.

۱۲ و این را می‌دانیم که امشب میلیون‌ها نفر خوراک و پوشاک ندارند و دوست داریم توان کمک به تمام این افراد را داشته باشیم و هر کار در توانمان باشد را در این راستا انجام دهیم ولی از نظر مالی چنین امکانی نداریم، نمی‌توانیم از کل دنیا حمایت کنیم. ولی نسبت به جماعت خود وظایف و تعهدات الزام‌آور داریم. در این رابطه فکر می‌کنم که اگر چیزی برایتان باقی ماند و دوست دارید آن را در قالب کمک به کسانی که عضو این کلیسا نیستند اهدا کنید و چیزی به آنها ببخشید، شایسته است که هیئت شماسان به این مورد رسیدگی کند.

۱۳ شماسان کسانی هستند که باید به این نزاع یا در واقع به این مسئله رسیدگی کنند چون در کتاب مقدس وقتی بر سر غذا و پوشاک و نظایر آن مشاجره پیش آمد

نزد رسولان رفتند و آنها گفتند: «بروید و هفت مرد نیک‌نام و پر از روح‌القدس را از میان خود برگزینید و آنها به این امور رسیدگی خواهند کرد. زیرا ما خود را پیوسته به عبادت و خدمت کلام خواهیم سپرد.»

۱۴ پس رسیدگی به خوراک و مسائلی از این دست در حیطه‌ی وظیفه‌ی شبان نیست. از قرار معلوم این وظیفه برای شماسان تعریف شده است. رسیدگی به این مهم نه وظیفه‌ی امناء بلکه وظیفه‌ی شماسان است. و سپس باید این... به یاد داشته باشید که در کتاب مقدس زمانی بر سر این ادعا که از گروه‌های یونانی تبار و عبرانی یکی سهم بیشتری برمی‌داشت کشمکش شد پس آنها [شماسان] عهده‌دار تأمین نیازهای اعضای جماعت خود شدند. اینجا سخن از افرادی بود که همه‌ی اموال خود را فروخته بودند و پول آن را برای پشتیبانی از کلیسا اهدا کرده بودند. به این ترتیب انتظار می‌رفت که [آنچه هست] به صورت مساوی میان آنها تقسیم شود. جدل مختصری درمی‌گیرد و همین‌جاست که نخستین شماسان شروع به کار می‌کنند. و یکی از وظایف آنها انجام همین کار است.

۱۵ معتقدم زمانی که سخن از اعضای کلیسای ماست، وظیفه داریم به افرادی که جایگاه عضو در جمع دارند، رسیدگی کنیم. پس هر شکایتی باید به رئیس هیئت شماسان ارجاع شود و سپس باید از سوی هیئت شماسان مورد بررسی قرار گیرد تا ببینند در این باره چه کاری از دست آنها ساخته است. و همه‌ی آن امور مربوط به پوشاک، خوراک و کمک مالی یا هرچه که هست باید از طریق شماسان پیگیری شود. سپس وقتی شماسان تصمیم می‌گیرند... پس از تصمیم در مورد مشخصی آنگاه باید مسئله را با خزانه‌دار در میان بگذارند تا مشخص شود که آیا خزانه‌دار در آن زمان توان هزینه کردن آن مقدار پول یا خرید آن مقدار لباس یا هرچه که هست را دارد یا نه. به این ترتیب هیئت شماسان باید در این رابطه جلسه تشکیل دهد پس این مسئله را به هیئت امناء یا شبان ارجاع نمی‌دهند. این موضوع تماماً در حیطه‌ی وظایف شماس است.

حال، پرسش دوم.

۲۲۱. آیا بیان علنی این نکته از تریبون که زبان‌ها و ترجمه‌ی آن باید در جلسه‌ای پیش از جلسه‌ی اصلی صورت گیرد کافی است؟

این دومین پرسشی است که بر روی این کاغذ که اینجا داریم، که یک برگه‌ی کوچک است، به چشم می‌خورد.

۱۶ باری، دقت داشته باشید که این مسئله به شبان اینجا مربوط می‌شود. چون به هر حال در بخش مربوط به مسائل روحانی، او در رأس است. شماسان در جایگاه انتظامات کلیسا وظیفه‌ی حفظ نظم را بر عهده دارند و به مسائلی چون خوراک‌رسانی به فقرا و نظایر آن رسیدگی می‌کنند. اعضای هیئت امناء بر مسائل مالی و ساختمان نظارت می‌کنند، پیگیری این امور بر عهده‌ی آنهاست. ولی وظیفه‌ی شبان نظارت بر بخش روحانی است پس برادر نوبل، این مسئله بر عهده‌ی شماس است.

۱۷ حال آنجا... مدتی قبل، نظم که در کلیسا برقرار شد... من به سخن گفتن به زبان‌ها و ترجمه‌ی آن اعتقاد دارم و همچنین به تمام عطایای زیبایی که پروردگار مقرر فرمود که در کلیسا یافت شود. ولی در روزگاری به سر می‌بریم که درست به ایام کتاب مقدس می‌ماند، آنجا که کلیساها... باری، توجه دارید که پولس کلیسا را در افسس پایه‌گذاری کرد یعنی کلیسای افسس را که کلیسای ریشه‌دار و جافتاده بود. توجه می‌کنید؟ معتقدیم که پولس چنانکه خودش گفت به زبان‌های پرشمار تکلم می‌کرد و می‌دانیم که او عطای تکلم به زبان‌ها را داشت. نه آن زبان‌هایی که آموخته بود بلکه آن زبان‌هایی که به صورت روحانی به او عطا شده بود. در این باره به گفته‌های خود پولس به قرن‌تینان استناد می‌کنیم. با عنایت به اینکه زمان زیادی ندارم برای صرفه جویی در وقت از تورق کتاب مقدس و قرائت آن فراز برای شما چشم می‌پوشم چون باعث می‌شود که امشب مانندمان در اینجا بس به درازا بکشد. و اینک... فقط برای اینکه به شکلی آشکار مشاهده کنید.

۱۸ باری، پولس هرگز به ناچار از عطایای روحانی و نحوه مدیریت آنها به کلیسای افسس یا کلیسای روم یا هر کلیسای دیگر مطلبی را گوشزد نکرد. ولی مجبور بود پیوسته در این رابطه با قرن‌تینان سخن بگوید زیرا آنها هربار این موضوع را به یک مشکل تبدیل می‌کردند. و وقتی پولس نزد آنها رفت گفت اگر متوجه می‌شدند که یکی زبان دارد و یکی سرود و مزموری دارد و... او خداوند را بابت عطایای نیکوی آنها و نظایر آن شکر می‌گفت. و اگر دقت کرده باشید پولس در باب نخست یا دوم رساله‌ی قرن‌تینان از جایگاه و موقعیتی که آنها در مسیح داشتند سخن گفت، از اینکه چگونه... اینکه چه جایگاه و موقعیتی در مسیح دارند.

۱۹ پس از عنوان این مطلب، درست مانند یک پدر به قولی عصا به دست مشغول تنبیه آنها شد و چنین می‌گفت: «به من خبر رسید که نزاع‌ها در میان شما پیدا شده است. و سر میز و سفره‌ی خداوند مست می‌کنید.» او آنها را غیرمسیحی نشمرد. برادران، شما هم چنین نکنید و آنها را غیرمسیحی نشمرید ولی در اینجا سخن از نحوه‌ی رفتارشان در خانه‌ی خداست. این مسئله‌ساز است.

۲۰ اکنون سخنان چنانکه پولس در گذشته گفت، این است: «وقتی جمع شوید اگر کسی به زبانی سخن گوید کسی ترجمه کند. اما اگر مترجمی نباشد خاموش باشد ولی اگر مترجم باشد...»

۲۱ بله، من نظاره‌گر این کلیسا بوده و رشدتان را دیده‌ام و شاهد عمل و به فعلیت درآمدن عطایای روحانی بسیاری در میان شما بوده‌ام. انصافاً یک مورد بود که مجبور شدم به خاطر آن با کلامی که از خداوند دریافت کرده بودم نزد برادر نویل بروم و او را در کاری که انجام می‌داد اصلاح کنم.

۲۲ و اگر... اگر خداوند... روح‌القدس مرا ناظر گله کرده بنابراین وظیفه دارم حقیقت را به شما بگویم. و از برادر نویل بسیار سپاسگزارم که به حقیقت توجه دارد. تنها می‌توانم آنچه که خدا به من گفت را بازگو کنم.

۲۳ باری در این باب با توجه به اینکه متوجه رشد کلیسای شما شدم... اینجا در کلیسا در ابتدا روال ما همین بود و مایلیم دوباره همین روال برقرار شود.

۲۴ حال اگر حواستان به کودکان خردسال نباشد... نخستین کاری که یک خردسال سعی می‌کند انجام دهد تکلم است منظور آن زمانی است که توانایی تکلم ندارد. ملاحظه می‌کنید؟ او گفتار و صدای نامفهوم تولید می‌کند و نظایر آن ولی چنین می‌پندارد که... قادر است در آن لحظه بهتر از یک واعظ صحبت کند. خوب این پدیده را نه فقط در زندگی طبیعی و جسمانی بلکه در زندگی روحانی نیز مشاهده می‌کنیم. این یک کودک خردسال است. و چنانچه بر آن شوید تا این کودک خردسال را تأدیب کنید و به خاطر «نامفهوم‌گویی» و تلاشش برای تکلم روی او دست بلند کرده و بر پشتش بزیند کودک را سرکوب خواهید کرد. توجه دارید، به او آسیب خواهید رساند. پس بهتر است بگذارید کودک کمی بزرگتر شود تا بتواند واژه‌هایش را صحیح ادا کند و آنگاه به او بگویید چه زمانی [مناسب این کار است]. «وقتی پدر حرف می‌زند یا وقتی مادر حرف می‌زند نه». ولی بگذارید در زمان مناسب او هم حرفش را بزند. درک می‌کنید چه می‌گوییم؟ پس موقع تکلم کردنش که رسید اجازه دهید صحبت کند.

۲۵ اگر چیزی وجود داشته باشد که همانند خاری در جسم باشد همانا زمانی است که در یکی از جلسه‌های بیرونی، کسی در وسط سخنرانی من بلند شود و با بیان پیغامی به زبان‌ها در کار روح [خدا] اخلاص ایجاد کند. به تازگی از جلساتی بازگشته‌ام، جلساتی در نیویورک و جاهای دیگر که خادمانش مکرر با این رفتار کنار می‌آیند و این چیزی جز سردرگمی نیست. توجه دارید، وقتی خدا دارد یک خط فکری مشخص را پیش می‌برد اگر [ناگهان] بر آن شود تا با دعوت مردم به مذبح یا دویدن به میان کلام سخنران، خط فکری دیگری را به شما تحمیل کند در واقع هدف خویش را ناکام خواهد کرد.

۲۶ مثلاً نظیر این موقعیت. سر میز نشسته‌ایم و صحبت می‌کنیم، درباره‌ی خداوند حرف می‌زنیم. و پسر به سرعت به سوی میز می‌دود و همه‌ی حواس‌ها را پرت می‌کند و هوار کشان و فریادزنان می‌گوید: «بابا! ماما! بله! بله! موفق شدم در تیم [بیس بال] هوم ران بزنم! و این، آن و آن یکی کار دیگر را کردیم!» آن هم درست موقعی که در حال شکافتن موضوعی به راستی مقدس باشیم. بله، عالی است که در بازی بیس بال هوم ران زده، خیلی خوب است. ولی وقتی پیغامی که از آن سخن می‌گفتیم را قطع می‌کند، بی‌نظمی کرده است. باید تا زمان مناسب صبر کند و بعد کاری که در بازی بیس بال انجام داده را تعریف کند.

۲۷ حال، امروز درست نظیر همین جریان را درباره‌ی عطایای روحانی مشاهده می‌کنیم. به همین دلیل است که خدا نمی‌تواند اعتماد کند و عطایای روحانی را در تعداد زیاد به مردم منتقل کند [چون] کنترل آنها را بلد نیستند. امروز مشکل همین است و دلیل اینکه داشته‌های ما در این زمینه بیش از این نیست همین است.

۲۸ و شاهد شبیه‌سازی‌های پرشمار از عطایای روحانی هستیم. البته فکر نمی‌کنم که اینجا در کلیسای ما چنین باشد. خدا را بابت این موضوع شکر می‌گویم. به هیچ وجه

فکر نمی‌کنم که شبیه‌سازی باشد. باور دارم که ما عطایای اصیل و واقعی داریم ولی باید بیاموزیم چگونه آن عطایا را کنترل کنیم.

۲۹ پس هرگاه روش و ترتیب درست و بایسته را در پیش بگیرید... درست به زمانی می‌ماند که برای یک کارفرما کار می‌کنید، شروع به کار کرده و در وهله‌ی نخست دستور می‌گیرید در نتیجه کارفرما به شما اعتماد می‌کند و مرتب شما را به موقعیت شغلی بالاتر ارتقا می‌دهد.

۳۰ باری، معتقدم برای خیمه‌ی برانهام زمانش فرارسیده تا بدانند... تا عطایایی که خدا به ما عنایت می‌کند را دریافت نموده و آنها را چنان به کار گیرد که خدا بتواند اعتمادش را با چیزی حتی بزرگتر از آنچه داریم به ما نشان دهد. ولی نمی‌توانیم پیش برویم با... با آدمی برخورد می‌کنید که همواره باید ادر قالب تذکر[ا] مطالبی به او گفته شود و همه‌ی اینها... و یادتان باشد که نگاشته‌ی مقدس می‌گوید: «روح انبیا مطیع انبیاست.» وقتی به یک آقا یا خانم برمی‌خورید که باید او را اصلاح کنید و با توجه به اینکه [پیش‌تر] حقیقت کتاب مقدس را به او گوشزد کرده‌اید ولی باز آن شخص مخل نظم است، این امر نشان می‌دهد که روحی که در آنهاست از خدا نیست. چون کتاب مقدس گفت: «روح انبیا» یا «نبوت کردن» یعنی شهادت دادن، موعظه کردن، سخن گفتن به زبان‌ها و هر چه که هست [مشمول این قاعده یعنی اطاعت از انبیا می‌شود] چون زبان‌های ترجمه شده حکم نبوت را دارد. در نتیجه مطیع انبیاست و کلام خدا همان نبی است. بنابراین همان‌طور که می‌بینیم وقتی واعظ پشت تریبون است اینکه آقا یا خانمی ناگهان پیغامی را اعلام کند، فارغ از اشتیاق بسیاری که برای این کار دارد، به منزله‌ی بی‌نظمی است.

۳۱ حال پیشنهادم برای خیمه‌ی برانهام این است که وقتی به داشتن عطایایی در وجود خود پی می‌بریم... ما در اینجا عزیزی داریم که از نظر عطایا بسیار غنی هستند. باری، هر کدام از آن عطایا برای خود یک خدمت خاص و منحصر به فرد است. آنها عطا هستند، درست همان‌طور که موعظه یک عطاست، به همان سان که شفا یک عطاست، به همان شکل که موارد دیگر عطا هستند، اینها عطا هستند و خدمت‌هایی منحصر به فرد محسوب می‌شوند. و به همه امر شده تا منتظر خدمت خاص خودش باشند.

۳۲ بنابراین بگذارید خیمه‌ی برانهام به همین ترتیب عمل کند، مخصوصاً در این روزگار که این همه (نمی‌خواهم این حرف را بزنم) این همه ظاهرسازی و نمونه‌ی واقعی‌نما داشتیم. ما خواهان نمونه‌ی واقعی‌نما نیستیم. هیچ انسانی، هیچ شخص صادقی دوست ندارد یک نمونه‌ی بدلی واقعی‌نما داشته باشد. ما... اگر نتوانیم... نتوانیم نمونه‌ی واقعی [و اصل] را داشته باشیم همان بهتر که اصلاً هیچ چیز نداشته باشیم، بیاییم تا دریافت نمونه‌ی واقعی صبر کنیم. باری، فکر می‌کنم که شما آقایان با این حرف موافق باشید. ما خواهان هیچ چیز واقعی‌نما و بدلی نیستیم. برادران، نمی‌توانیم اساس چیزی را روی آنچه بدل و جعلی است بگذاریم و این دنیا را ترک کنیم. باید آنچه واقعی است را داشته باشیم، آنچه اصل است. اگر آن را حاصل نکرده‌ایم بیاییم تا زمان حصول آن صبر کنیم و بعد راجع به آن اظهار نظر کنیم. توجه دارید؟

۳۳ آری، سخنم چنین است: بگذارید همه‌ی این آقایان و خانم‌هایی که به زبان‌ها سخن می‌گویند، نبوت می‌کنند، پیغام می‌دهند... با شما آقایان هم نظر هستم که آن موارد اصیل و واقعی هستند. باری، کتاب مقدس گفت: «همه چیز را تحقیق کنید و به آنچه نیکوست متمسک باشید.» «زیرا که با لب‌های الکن و زبان غریب با این قوم تکلم خواهم نمود، آن راحت که گفتم به آن داخل شوند همین است.» در کتاب اشعیا چنین آمده است.

۳۴ اکنون توصیه نمی‌کنم که پرستشگاه در یک محدوده‌ی زمانی مشخص فقط تحت خدمت یک عطا باشد و این نکته باز هم ما را یگراست به آن خط و ترتیبی که سعی داشتیم تشریح کنم، بازمی‌گرداند. اگر کسی حرف می‌زند، بگذارید روح انبیا مطیع نبی باشد. درک می‌کنید؟ اکنون بگذارید آنها که خدمتی در بدن مسیح دارند... حال، چنانکه گفته شد اینک بگذارید چنین شود. بگذارید آنها که خدمتی در بدن مسیح دارند برای خدمت خود صبر کنند زیرا آن خدمت از جانب مسیح و برای کلیساست. ولی نمی‌توانید در آن واحد و همه با هم در موقعیت خدمت کردن قرار گیرید، باید یکی یکی و یک نفر در یک زمان معین باشد.

۳۵ خیمه‌ی برانهام باید چنین باشد. بگذارید کسانی که به زبان‌ها تکلم می‌کنند، اشخاصی که زبان‌ها را ترجمه می‌کنند، آنها که نبوت دارند، آن را به کلیسا منتقل کنند، اجازه دهید زودتر گرد هم بیایند... به عبارتی پیش از آغاز جلسه، بگذارید در اتاقی جمع شوند و در انتظار خدمت خداوند باشند.

۳۶ شبان هم پیش از آمدن به جمع حضار باید همین کار را بکنند. باید کتاب مقدس را برداشته و در روح، در سکوت و آرامش اتاقش به مطالعه و تفحص بپردازد و برای بیرون آمدن و حضور و سخن گفتن در برابر جماعت مسح شده باشد. اگر نشده نباشد وقتی به آنجا می‌رود دچار سردرگمی خواهد شد. (هر آقا و خانمی که عطای روحانی دارد در مقابل خداوند حاضر شود.) و از آنجا که شبان خدمتی منحصر به فرد دارد... او یک نبی است؛ واژه‌ی انگلیسی *واعظ* به معنی «یک نبی» است، کسی که اعلام‌کننده‌ی کلام خداست.

۳۷ بگذارید آنها که خدمتشان متصل به شخص دیگری است مثلاً کسی که به زبان‌ها سخن می‌گوید و شخص دیگری که ترجمه می‌کند با یکدیگر منتظر انجام خدمتشان بمانند. آنها نمی‌توانند در یک اتاق و فضای خصوصی بمانند و به زبان‌ها تکلم کنند و بعد بیایند و به دیگری بگویند که چه گفته‌اند چون معنی‌اش این می‌شود که هر دو را دارند، هم تکلم به زبان‌ها و هم ترجمه را. توجه دارید؟ پس اگر آن شخص چنین توانی دارد خوب است و مشکلی نیست دلمان می‌خواهد آنچه دارد را همان‌طور که هست دریافت کنیم. و خواسته‌ی ما این است که کلیسا از عطایایی که در کلیسای ماست بهره‌مند شود. خدا آنها را به ما داده است و این... خواسته‌ی ما این است که کلیسای ما از این عطایای روحانی منتفع شود. پس بگذارید آنکه به زبان‌ها تکلم می‌کند، آنکه ترجمه می‌کند و آنکه نبوت می‌کند پیش از آغاز جلسه‌ی کلیسا گرد هم بیایند. در اتاقی جمع شوند و منتظر خدمت محوله‌ی خداوند برای کلیسا بمانند. مفهوم شد؟

۳۸ و به این ترتیب شبیه این حالت است که برادر نویل بگوید... خوب اکنون معذرت می‌خواهم، اجازه دهید این مطلب را بگویم: اگر برادر کالینز به زبان‌ها تکلم کند و برادر هیکرسون ترجمه کند، در این صورت آنها با هم یک خدمت برای کلیسا دارند. اکنون این خدمت برادر نویل نیست، این خدمت شما برای کلیساست. این را به عنوان مثال گفتم. بنابراین شما برادران باید همان علاقه و توجه وافر را برای خدمت خود و انجام آن در خانه‌ی خدا به خرج دهید که شبان برای به جا آوردن خدمت خود به خرج می‌دهد زیرا به همان اندازه برای شما اساسی و واجب است که این کار را انجام دهید. ولی نمی‌توانید در خلوت اتاق خودتان این کار را انجام دهید، شما که به زبان‌ها تکلم می‌کنید و شما که ترجمه می‌کنید باید گرد هم آید. پس در کلیسا حضور به هم برسانید و به اتاقی جداگانه که برایتان تعیین شده بروید زیرا یک خدمت خصوصی دارید. این خدمت بروز علنی ندارد، هدف از آن کمک به کلیساست. ملاحظه می‌کنید؟ برای کمک به کلیساست ولی قرار نیست در جلسه‌ی اصلی صورت گیرد فقط به همان ترتیب که به شما می‌گویم باید انجام شود. توجه دارید؟ آنگاه به عنوان مثال، هر آنچه برادر کالینز تکلم کند و هر آنچه برادر هیکرسون ترجمه کند، در آن حالت بگذارید فلان برادر هر چه هست را یادداشت کند. و سپس اگر آمدن...

۳۹ باری، همگی می‌دانیم که خداوند می‌آید، ما به این مهم واقفیم. و اگر برادر نویل هر شب برخیزد و بگوید: «اینک، خداوند می‌آید! اینک خداوند می‌آید!» خیلی خوب است و مشکلی ندارد، توجه دارید ولی او (شبان) این سخن را از روی سکو بیان می‌کند زیرا کلام آن [مبحث] را در اختیار دارد. و اگر او جایگاه شبان، نبی کلیسا... یا در واقع جایگاه یک شبان را دارد باید کلام خداوند را بکاود و آنچه در رابطه با بازگشت خداوند مکتوب شده را برایتان بازگو کند و شما از این طریق اطلاع یافته، هشدار را دریافت می‌نمایید. خدمت دیگری که (برای کلیساست) و او [شبان] پیوندی با آن ندارد، خدمت زبان‌هاست، شامل ترجمه‌ی زبان‌ها (که نبوت محسوب می‌شود) یا آنجا که یک نبی سخن می‌گوید، این در زمره‌ی مواردی است که در کلام مکتوب نشده است. شبان باید چیزی که در کلام مکتوب شده را ارائه کند ولی بر شماس است که چیزی که در کلام مکتوب نشده را به او بگوید. مثلاً چیزی نظیر این: «به برادر ویلر بگو که خداوند چنین می‌فرماید که فردا سر کارش یعنی استخراج شن نرود چون کامیونی واژگون خواهد شد.» یا چیزی از این دست و آن باید به انجام برسد. شما آن را بر زبان آوردید و او آن را ترجمه کرد و بعد که خدمت شما تمام شد آن را روی سکو بگذارید و بعد شبانه، پس از اینکه کلیسا (سرود) خواندن را آغاز کرد و نظایر این... چنانچه خدمت شما تا آن موقع تمام شده باشد، بگذارید جلو بیایند و آن نبوت که بیان شد را اعلام کنند.

۴۰ و فکر نمی‌کنم که ما دارای... یا اگر چنین باشد، این را آنجا بگذارید. وقتی آن اشخاص حضور به هم می‌رسانند، بگذارید ابتدا آنها که حکمت دارند بیایند چون همان‌طور که عنایت دارید اگر کسی به زبان‌ها تکلم کند و ترجمه‌ای مطابق با کلام ارائه دهد چنین ادعایی جز در حضور دو یا سه نفر پذیرفتنی نخواهد بود، دو یا سه

شاهد بیشتر باید شاهدان ماجرا باشند (توجه دارید؟) کسانی که به کلام خداوند ایمان دارند. چون... و گاهی اوقات در این قبیل خدمت‌های فرعی، درست مانند هر خدمت دیگری، گرفتار روح‌های کاذب می‌شوید، آنها سررسیده و به آنجا نفوذ خواهند کرد، دقت می‌کنید. و ما خواهان چنین چیزی نیستیم. خیر. خواسته‌ی ما این است که چنانچه الزامی برای افشای این خدمت‌ها وجود داشته باشد، آماده‌ی افشا شدن باشند چون هرچه از خدا باشد... نباید نگران افشای آن باشید منظورم این است که اگر از جانب خدا باشد به سلامت از آزمون عبور خواهد کرد.

۴۱ درست مثل شبان، اگر کسی او را بر سر کلام به چالش بکشد نیازی نیست که از موضعش عقب‌نشینی کند. او کاملاً می‌داند راجع به چه سخن می‌گوید، «این بالا و اینجا تشریف بیاور.» می‌بینید؟ این نکته شامل خدمت‌های دیگر هم می‌شود باید به همین ترتیب عمل کنند.

۴۲ باری، اگر یک نفر به زبان‌ها سخن بگوید و پیغامی بدهد... حال، هستند کسانی که به زبان‌ها سخن می‌گویند و این در حالی است که به گفته‌ی کتاب مقدس تنها «خودشان را بنا می‌کنند» آنها فقط در حال گذراندن اوقات خوش هستند. آنها به زبان‌ها تکلم می‌کنند، چنین حس می‌کنند... آنها به زبان‌ها تکلم می‌کنند، آنها به راستی به زبان‌ها تکلم می‌کنند و این کار روح [خدا] است. ولی اگر آنجا در میان حضار بنشینند و به زبان‌ها تکلم کنند، فقط باعث بنای خود می‌شوند و در نتیجه اینکه آقا یا خانمی خود را بنا کند برای کلیسا سودمند نیست. ملاحظه می‌کنید؟

۴۳ سخن گفتن به زبان‌ها عطایی الهی برای بنا کردن است و هدف از آن، چنانکه پولس در نگاشته‌ی مقدس می‌گوید، بنای کلیساست. بنابراین باید نوعی پیغام مستقیم از جانب خدا برای کلیسا باشد خارج از آنچه اینجا و در کتاب مقدس مکتوب شده است. توجه دارید؟ چیزی است که...

۴۴ اگر از من می‌پرسیدید: «برادر برانهام چگونه باید تعمید بگیرم؟» می‌توانم بی‌درنگ خدمتتان پاسخ دهم. نیازی نیست به زبان‌ها سخن بگویید تا این مطلب را به من بگویید چون مستقیماً و به وضوح در اینجا یعنی در کتاب مقدس مکتوب است که این کار باید به چه صورت انجام شود. توجه دارید؟ نیازی به این ندارم... نیازی به این نیست که کسی به سؤالتان در این باب به زبان‌ها پاسخ دهد. عنایت دارید که این موضوع قبلاً مکتوب شده است.

۴۵ ولی اگر بگویید: «برادر برانهام باید چه کار کنم؟ مجبورم تصمیمی اتخاذ کنم، باید تصمیم بگیرم که آیا این کلیسا را انتخاب کنم یا به کلیسای دیگر بروم.» یا چیزی از این دست. «یا آیا باید چنین کنم یا چنان؟» حال این چیزی است که باید از جانب پروردگار برسد. ببینید، خداست که باید این را به ما بگوید. این مهم باید از طریق خدمتی دیگر واصل گردد زیرا کلام نمی‌گوید: «آرمان نویل خیمه‌ی برانهام را ترک کن و به خیمه‌ی فورت وین گاسپل برو.» ببینید، چنین چیزی در کلام نیامده است بنابراین آن عطایا برای چنین مسائلی است.

۴۶ مانند این موقعیت که شخصی اینجا بیاید و بگوید: «آیا به شفای الهی ایمان داری؟» ما آن را موعظه می‌کنیم، به آن ایمان داریم، به مسح کردن با روغن باور داریم.

۴۷ ولی آنجا که آقایی می‌آید و می‌گوید: «پیش نمی‌روم و دعایم اجابت نمی‌شود، جریان چیست؟» [در این حالت] لازم است که خدا، از راه زبان‌ها، ترجمه، نبوت یا از یک راه مشخص سراغ زندگی این شخص برود و کاری که انجام داد را افشا کند و درباره‌ی آن با او سخن بگوید. این خدمت منفک از خدمت شبانی است و به شبان تعلق ندارد، این کار تحت پوشش خدمت مبتنی بر آن نوع از عطایاست ولی نباید در میان حضار انجام شود. ملاحظه می‌کنید؟

۴۸ باری، پولس هیچ‌گاه حتی یک بار هم مجبور نشد تا به جماعت کلیسای افسس حرفی راجع به این مسائل بزند، آنها نظم داشتند، او با کلیسای رومیان و هیچ یک از کلیساهای دیگر چنین نکرد تنها کلیسای قرنتس به آن شکل بود و نمی‌توانستند خود را برسانند... باری، پولس به تکلم به زبان‌ها اعتقاد داشت. در کلیسای افسس و همچنین در کلیسای قرنتس به زبان‌ها سخن می‌گفتند ولی او می‌توانست برای افسسیان از مسائلی بس بزرگتر از تکلم به زبان‌ها و ترجمه‌ی زبان‌ها بگوید.

۴۹ حال، به این ترتیب اگر کسی پیغامی که به زبان‌ها ابلاغ یا در قالب نبوت اخبار شد را یادداشت کند و روی سکو بگذارد، وظیفه‌ی شبان است که پیش از آغاز جلسه آن را قرائت کند، تحت عنوان «خداوند چنین فرمود» که از سوی متکلمان به زبان‌ها و آنها که ترجمه کرده‌اند، اظهار شده است. و اگر امر اعلام شده دقیقاً به همان ترتیب که در ترجمه ذکر شد جامه‌ی عمل پوشید، دستان خود را برمی‌افزایم و پروردگار را بابت اینکه روحش در میان ماست شکر می‌گوییم. اگر جامه‌ی عمل نپوشید در آن صورت دیگر این کار را تکرار نکنید تا زمانی که آن روح شریب از شما خارج شود. خدا دروغ نمی‌گوید، او همواره راستی و حقیقت است.

۵۰ با این حساب می‌بینید که آن قدر بالغ شده‌اید که مانند مردها رفتار کنید و نه مانند بچه‌ها («گو، گو، گو») باید معنا و هدفی در اعمالتان باشد.

۵۱ بگذارید حالا که کلیسا در حال نظم گرفتن است به این [شکل از] نظم برسد. اگر کسی نبوت کرد... اگر شخص بی‌اطلاعی به میان شما بیاید و به زبان‌ها تکلم کنید، از نگاه او مثل یک بربر خواهید بود، او نمی‌داند درباره‌ی چه سخن می‌گویید. توجه می‌کنید؟ و حقا که در این ایام آشفتگی‌های بسیار پیرامون این موضوع بروز کرده و سبب شکل‌گیری یک سنگ لغزش شده است. با این حال بگذارید یک نفر به زبان‌ها تکلم کند و دیگری ترجمه کرده و پیغام را ابلاغ نماید، اجازه دهید تا فحوای آن از همین‌جا و این سکو قرائت شود اینکه چه اتفاقی در پیش است. سپس منتظر آن اتفاق و تماشاگر آنچه واقع می‌شود باشید. به آنها می‌گویید: «فردا در زمانی معین یا هفته‌ی آینده در زمانی معین قرار است امری معین واقع شود.» به این ترتیب وقتی بی‌ایمانی که آنجا نشسته بشنود و شاهد اخبار واقعه‌ای پیش از تحقق آن باشد... در این حالت خواهند دانست که چه روحی در میان شما کار می‌کند و آن روح، روح خدا خواهد بود. این چیزی است که پولس گفت: «پس اگر کسی قادر به نبوت و ظاهر کردن خفایای

قلب باشد، آیا کل جماعت یا در واقع بی‌ایمانان به روی در نخواهند افتاد و نخواهند گفت فی‌الحقیقه خدا در میان شماست؟» توجه دارید؟ زیرا نمی‌توان...

۵۲ حال دلمان نمی‌خواهد... پولس در آنجا به قرن‌تیان گفت: «زمانی که طفل بودم مانند طفل رفتار می‌کردم و چون طفل حرف می‌زدم.» او ذهن یک طفل را داشت. «اما چون مرد شدم کارهای طفلانه را ترک کردم.»

۵۳ پس اینک به همه‌ی شما می‌گوییم... حال، چند سال پیش طفل بودید و برخوردارتان با این عطایا مثل بازی و تاب خوردن به پس و پیش بود. ولی اکنون مدتی مدید را در یک مدرسه گذرانده‌اید و زمان آن رسیده که بالغ شوید و محض بازی و تفریح از آنها استفاده نکنید. این عطایا قداست داشته و از آن خدا هستند با آنها بازی نکنید. بگذارید خدا از آنها استفاده کند. این همان هویتی است که خدمت شما باید خواهان کسب آن باشد. این همان رویه‌ای است که طبق آن باید خیمه‌ی برانهم را در موقعیت خدمت قرار داد و پیش برد. و اگر زمانی در این باب سؤالی مطرح شد بگذارید همین نوار شهادت دهد و این نکته را روشن کند که رویه‌ی کار در خیمه‌ی برانهم باید به این ترتیب باشد.

۵۴ اگر قرار است شخص غریبه‌ای بیاید با توجه به اینکه اینجا خیمه‌ای فرافرقه‌ای است، همیشه پذیرای عده‌ای هستید که... کسانی می‌آیند که [در باب این مسائل] آموزش مناسب ندیده‌اند و بی‌بهره از آنند و چیز زیادی نمی‌دانند. آنها ناگهان پیغام شبان خود را قطع می‌کنند و آیین دعوت به مذبح را دچار اخلال می‌کنند و به زبان‌ها سخن می‌گویند و مواردی از این دست. شما آقایان بهتر آموزش دیده‌اید. ملاحظه می‌کنید؟ به این ترتیب اگر کسی نظم را به هم ریخت بر عهده‌ی شماست که پس از جلسه نزد آن شخص برود. بگذارید شبان شما مجبور به این کار شود مگر وقتی به جایی رفته باشد که هیچ شماسی در آنجا نباشد ولی وظیفه‌ی شماست تا به این ماجرا رسیدگی کند. توجه دارید؟

۵۵ باری پس از [آغاز] جلسه... اگر یک نفر بلند شود و پیغامی ابلاغ کند شبان می‌تواند در صورت صلاحدید دقیقه‌ای سخنان خود را قطع کند و سپس ادامه دهد، مشکلی نیست این موضوع به صلاحدید شبان بستگی دارد. ولی پس از آن لازم است یک شماس فوراً و پیش از خارج شدن آن شخص از ساختمان، او را به گوشه‌ای برده و با او در این رابطه حرف بزند.

و اگر شبهات و سؤالاتی در این رابطه مطرح کنند آنها را به شنیدن این نوار دعوت کرده و بگویید: «این سخن اسقف یا ناظر کلیساست...» (که همان اسقف است... هر ناظری چنانکه می‌بینید در کتاب مقدس چنین خوانده شده است، «منصب اسقفی» که همان ناظر کل کلیساست.) «بگذارید... این ترتیبات و رویه‌ای است که کلیسای ما بر اساس آن عمل می‌کند. آری، خیلی دوست داریم که بیایید و پیغام خود را اعلام کنید. ولی اگر پیغامی از جانب خداوند دارید و... بگذارید چنانکه باید ابلاغ شود، این بالا تشریف بیاورید و آن را روی سکوی ما بگذارید و خادم ما آن را برای جماعت قرائت خواهد کرد، سخن از پیغامی است که مخاطب آن جماعت باشد.»

ولی نباید صرفاً تکرار نگاهشده‌ها و مسائلی از این دست باشد. باید پیغامی مستقیم برای جماعت باشد، امری که قرار است واقع شود یا کاری که باید انجام دهند. متوجه شدید؟ بسیار خوب.

۲۲۲. حال، آیا برای حفظ نظم در کلیسا رویه‌ای بهتر از یادآوری مکرر این مسائل به مردم از سوی شماسان نیست؟

خیر، این مسئله را هم اینک توضیح دادم. این پرسش شماره سه است.

۵۶ شما شماس‌ها وظیفه دارید نظم را با رفتاری مهربانانه و دوستانه در کلیسا حفظ کنید. و همچنین بر شماس‌هاست که اگر کسی در کلیسا نظم را به هم ریخت یا مانند یک شخص مست به اینجا آمد یا اگر کسی وارد شد به ماجرا رسیدگی کنید.

۵۷ شبیه حادثه‌ی تیراندازی آن شب به خادمی که روی سکو بود. حتماً این ماجرا به گوشتان خورده که چطور یک شخص مست با تفنگ دولول وارد شد. او نعره‌زنان خانمش را صدا می‌کرد، دنبال خانمش بود او بالا به سمت شبان رفت. و شبان محل نشستن همسرش را نشان داد ولی آن شخص آماده می‌شد تا وسط کلیسا به او [خانمش] شلیک کند در نتیجه شبان وارد معرکه شد تا جلوی او را بگیرد. و به جای اینکه... آن آقا در جوار تریبون به سوی شبان شلیک کرد و سپس به خانمش شلیک کرد و بعد به خودش شلیک کرد.

۵۸ حال اگر موقع ورود آن شخص تفنگ به دست و عبورش از آن در، گروهی شماس آنجا بودند با دست‌هایشان و دوره کردن وی، او را خلع سلاح می‌کردند. توجه دارید؟ ببینید، این نحوه‌ی کار شماسان منظم است. ولی اکنون این مسائل و نوع عملکردشان به سمت و سویی رفته که می‌توانید انتظار هر چیزی را داشته باشید. پس این را به خاطر داشته باشید که در خانه‌ی خدا شماسان پلیس‌های خدا هستند، فارغ از اینکه هر شخص چه نظری دارد. گاه یک پلیس تمایل ندارد بالا برود تا کسی را دستگیر کند چه بسا آن شخص یکی از دوستانش باشد ولی او برای منصبی مشخص سوگند یاد کرده و در هر حال باید به وظیفه‌اش عمل کند. در شهر این وظیفه بر عهده‌ی اوست. ملاحظه می‌کنید؟

۵۹ در کلیسا این وظیفه بر عهده‌ی شماس است. و چنانچه کسی بالا رود و سخنان شبان را که مشغول پیغام دادن است قطع کند، دو یا سه نفر از شماسان موظفند تا حرکت کرده و خود را به آن اشخاص رسانده و بگویند: «برادر امکانش هست با شما صحبت کنیم؟» می‌بینید؟ باید او را از کلیسا خارج و به این دفتر یا هر دفتر دیگری ببرند و در این رابطه با او حرف بزنند: «باید حرف را قطع کنی.» می‌دانید که طبق قانون هم قطع و ایجاد اختلال در یک جلسه جریمه‌ای سنگین دارد. توجه دارید؟ اما می‌دانید برخی از مردم مانند بزهکاران یا یک متعصب مذهبی ممکن است به جمع شما بیایند و شروع کنند به جنجال به پا کردن، در آن صورت شماسان... و اگر چنین به نظر رسید که شماسان از کنترل وضعیت ناتوانند آنگاه اعضای هیئت امانت

یا هر یک از حضار کلیسا می‌تواند جلو بیاید و به چنین شخصی کمک کند. شما این را می‌دانید.

۶۰ و بگذارید اینجا دوباره این سؤال را تکرار کنم.

آیا برای حفظ نظم در کلیسا رویه‌ای بهتر از یادآوری این مسائل به مردم از طریق تکرار توسط شماس‌ها به صورت گاه به گاه وجود ندارد؟

۶۱ حال، معتقدم که شبان هر چند دفعه... یا اینکه این نوار را پخش کنید و بگذارید در مقام شهادت‌دهنده عمل کند. شماس‌ها پلیس هستند و گفتار آنها برقرارکننده‌ی قانون و نظم است. ملاحظه می‌کنید؟ و از جانب کلیسا و حتی از جانب قوانین مملکت این اختیار به آنها داده شده تا خانه‌ی خدا را به مکانی مناسب و مطلوب تبدیل کنند. و هر که علیه آنها اقدام کند می‌تواند به دو تا ده سال حبس در زندان فدرال محکوم شود. اگر از افرادی که رفتارشان بر هم زنده‌ی نظم است خواستید که بروند و این کار را نکردند یا اتفاقی شبیه این یعنی... آن شخص نمی‌داند چه می‌کند، او دارد خودش را در معرض انواع جریمه‌ها قرار می‌دهد.

۶۲ و اگر کار به جایی برسد که شخصی... حال مانند... و اگر کسی بالا رفته و نظم را به هم بریزد... به گونه‌ای که صرفاً به زبان‌ها تکلم کند یا موردی شبیه آن، چنین مواردی را پیگیری نخواهم کرد. چنانچه غریبه باشند کاری به او نداشته باشید... اگر از اعضای خودمان هستند شما شماس‌ها باید شب بعدش نوار را بردارید و بگویید: «حال، پیش از آغاز جلسه نوار مربوط به ضوابط و نظم در کلیسا را پخش خواهیم کرد و دلم می‌خواهد همه آن را درک کنند.» و شما شبان‌ها و همگی شما می‌توانید به این ترتیب با یکدیگر همکاری کنید.

۲۲۳. حال برادر برانهام تکلیف مدرسه یکشنبه چیست؟ برادر برانهام در رابطه با مدرسه‌ی یکشنبه (بسیار خوب) آیا باید کلاس‌های آن پیش از جلسه‌ی موعظه تشکیل شوند؟

۶۳ بله، همیشه به همین ترتیب عمل کرده‌ایم. [جلسات] مدرسه‌ی یکشنبه پیش از جلسه و موعظه‌ی اصلی برگزار می‌شود. و به این ترتیب همراهان کم سن و سالی که در مدرسه‌ی یکشنبه شرکت می‌کنند این فرصت را پیدا می‌کنند تا از کلاس‌هایشان مرخص شوند. و اگر بخواهند... همراهان کوچک بدون برخورداری از فهم لازم مجبور می‌شوند در تمام مدت موعظه بنشینند و بعد از آن در مدرسه‌ی یکشنبه شرکت کنند که در آن حالت این دوستان کوچک خسته خواهند شد. بگذارید ابتدا مدرسه‌ی یکشنبه کارش را آغاز کند، یک ساعت خاص را تعیین کنید به این ترتیب مدرسه‌ی یکشنبه در ساعتی که مشخص و مقرر شده دایر شود. سرپرست مدرسه‌ی یکشنبه وظیفه دارد بر این مهم نظارت کند و تدارک لازم را ببیند تا جلسات این مدرسه‌ی یکشنبه در زمان مقرر برگزار و سپس در زمانی مشخص به پایان برسد. وقتی مشخص برای مدرسه‌ی یکشنبه اختصاص یافته و بعد همه‌ی آنها که در مدرسه هستند باید مرخص شوند.

۲۲۴. آیا معلم کلاس بزرگسالان باید شخصی غیر از شبان باشد؟

۶۴ اگر چنین توافق شده [مانعی ندارد]. چنانچه شبان بخواهد در مدرسه‌ی یکشنبه تعلیم داده و سپس کمی دیرتر پیغام دهد این کارش خیلی خوب و عالی است یعنی در صورتی که خودش تمایل به انجام وظیفه در دو جلسه داشته باشد. ولی در صورت عدم تمایل لازم است یک معلم برای کلاس یکشنبه‌ی بزرگسالان پیدا کنید. و اگر شبان شخص خاصی را مد نظر دارد و آن شخص تمایلی به این کار داشته باشد سی دقیقه‌ای را به خود اختصاص دهید. سی دقیقه یا هر مقدار زمان که برای مدرسه‌ی یکشنبه‌ی خود در نظر می‌گیرید، سی، سی و پنج، چهل دقیقه یا چیزی مثل آن.

۶۵ و لازم است یک زنگ در اینجا نصب شده باشد. وقتی آن زنگ را زدند معنی‌اش این است که... یا در واقع وقتی زنگ کلیسا در بیرون طنین‌انداز می‌شود یعنی وقت اتمام مدرسه‌ی یکشنبه است. وقتی آن زنگ به صدا در می‌آید یعنی همه چیز در آن لحظه باید نظم پیدا کند.

۶۶ همچنین باید وقت لازم برای یک یا دو سرود یا آنچه قرار است بخوانید در نظر گرفته شود. زمان مورد نظر خیلی هم نباید طولانی باشد چون وقتی مردم را زیاد نگه دارید آنها را خسته خواهید کرد. پس فقط زنگ را به صدا درآورید، سرودی بخوانید یا هر کار دیگر که لازم است انجام دهید و سپس کلاس‌ها را تشکیل دهید و سپس همه را سر جای خود بفرستید. و به محض اینکه زمان مقرر فرارسید، به قولی سر ساعت ده یا ده و نیم یا ده و پنجاه دقیقه یا هر زمان که هست، آن زنگ را بزنید و همه‌ی معلم‌ها باید کلاس‌هایشان را تعطیل کنند چون نوبت جلسه‌ی اصلی و پیوستن به حضر در اینجا است. و بعد... گزارش را تحویل دهید، گزارش مدرسه‌ی یکشنبه را تحویل دهید و سپس اجازه دهید همگان مرخص شوند و در مرحله‌ی بعد آنها که مایلند می‌توانند برای حضور در جلسه‌ی موعظه بمانند. توجه کنید این چنین کار نظم پیدا کرده است.

سؤال؟ چگونه... [کسی از برادر برانهام می‌پرسد: «به بیان دیگر کلاس‌های ما تفکیک می‌شود؟» - گروه تألیف.]

۶۷ بله، البته باید چنین باشد. چیزی که برای یک چهارده‌ساله قابل فهم است برای یک کودک سه ساله قابل درک نیست. فکر می‌کنم اندکی بعد به این موضوع می‌رسیم.

۲۲۵. چند کلاس باید فعالیت کنند؟

۶۸ باید کلاس‌هایتان را بگذارید... مثلاً کلاس خردسالانی که با تصاویر و نقاشی آموزش می‌بینند برای یک پسر یا دختر چهارده ساله مناسب نیست. می‌بینید؟ باید کسی را داشته باشید که تشکیل کلاس برای این کودکان خردسال را بر عهده بگیرد، یک مادر مسن یا کسی که با نحوه‌ی مراقبت از آنها آشنا باشد. در مورد باقی کلاس‌ها، به نظرم کسی را می‌خواهد که در شرح و معرفی کلام خدا توانمندتر باشد. ملاحظه می‌کنید؟ و کلاس‌ها باید تشکیل شوند. به سخنی اکنون باید کلاسی برای... باید حداقل سه کلاس داشته باشید.

۶۹ باید یک کلاس برای خردسالان و کودکان باشد و رده‌ی سنی باید حدوداً از پنج سال به بالا باشد. و آنها که کوچکتر هستند باید با مادرانشان بمانند و در صورت لزوم اگر هنگام موعظه شلوغ کردند به اتاق نگهداری کودکان برده شوند. اتاق کودکان برای همین منظور پیش‌بینی شده است.

۷۰ به اعتقاد من چینش کلاس‌ها باید به این صورت باشد که کودکان و خردسالان حدوداً پنج یا شش ساله تا هشت، نه و ده ساله و همین رده در کنار هم باشند. ده تا پانزده ساله‌ها باید در کلاس نوجوان‌ها باشند. و بعد کلاس بزرگسالان برای آنهاست که بیش از پانزده سال دارند چون آنها... اگر آن قدر بزرگ شدند که... این روزها می‌توانند شاغل شوند و خواهان کسب حق رأی در این سن هستند بنابراین باید بتوانند کلام خدا را بشنوند و برای این منظور وارد سالن اصلی شوند.

۲۲۶. معلمین باید چه کسانی باشند؟

۷۱ این کار شماسست و خودتان باید از طریق رأی‌گیری معلمان خود را انتخاب کنید. بایستی این کار را بکنید کسی را برای این کار انتخاب کنید. ترتیب دیدار با اعضای کلیسا را بدهید و بگویید: «چه کسی... در اینجا چه کسی حس می‌کند از طرف خداوند هدایت شده است؟» و سپس یک معلم صاحب صلاحیت را انتخاب کنید. و بعد بگذارید کار انجام شود. برادران، لازم است این کار با سختگیری انجام شود. اگر عدم صلاحیت معلم محرز شود، معلم را عوض کنید.

۷۲ آن زمان که در حضور خدا حس کنم که آرمان نوپل صلاحیتش را از دست داده و دیگر نمی‌تواند شبان اینجا باشد، موضوع را با کلیسا در میان خواهم گذاشت. آن زمان که موردی اینجا ببینم و معتقد باشم که شما شماس‌ها فاقد صلاحیت شماسی هستید، مسئله را به این شکل با کلیسا در میان خواهم گذاشت: «متوجه شدم که یکی از شماس‌های اینجا کارهایی می‌کند که نباید بکند و از عهده‌ی وظایفش بر نمی‌آید.» و نظایر این یا یکی از امضاء یا هر که هست. نمی‌توانم ماندن یا اخراجش را تصویب کنم، این کار بر عهده‌ی کلیساست ولی مسلماً مسئله را در کلیسا مطرح خواهم کرد. چون این کاری است که باید انجام شود. وظیفه‌ام به عنوان ناظر ایجاب می‌کند که چنین باشم، بر حسب وظیفه باید نظارت کنم و ببینم چه خبر است. ما به آسمان می‌رویم نه به یک مسابقه رالی یا چیزی... یا برنامه‌ای برای اینکه خوش بگذرانیم و یکدیگر را زیر بگیریم و بیس بال بازی کنیم. اینجا هستیم و مبارک‌ترین امر موجود بر روی کره‌ی خاکی یعنی کلام خدا را در دستان خود گرفته‌ایم پس حمل آن باید تابع نظمی خدایی باشد.

معلم‌ها چه کسانی باید باشند؟

۷۳ آنها را باید خودتان انتخاب کنید. ولی برای خردسالان یک خانم مسن را انتخاب خواهم کرد کسی که از پس این کار برآید. اما برای نوجوانان معلمی انتخاب خواهم کرد که جدی و مقرراتی باشد و نه کسی که مرتب بیرون می‌رود و سوسیس کباب می‌کند. اگر می‌خواهند بیرون بروند و سوسیس کباب کنند مشکلی نیست ولی وقتی

همه چیز را می‌گذارند پای آن... محوریت را به کلام بدهید کسی را بگذارید که بتواند با جدیت به کلام متمسک شود. و قرار است چنین باشد که... جایگاه این کلیسا این نیست که... سوسیس کباب کردن خیلی هم خوب است، پیک‌نیک‌های جمع و جوری که دلتان می‌خواهد دسته جمعی ترتیب دهید و با هم بودن و دورهمی خوب است برای سرگرم کردن بچه‌ها باید این کار را کرد. ولی در این مکان و اینجا، این کلام خداست و تمام. سوسیس کبابی برای وقتی است که با هم جمع شده‌اید، آن جایی در خانه‌ی خدا ندارد. و می‌دانند... صد البته این را می‌دانیم که به رفتارهای نابخردانه‌ای مانند برگزاری جشن و پارتی در اینجا و همه‌ی آن موارد مشابه اعتقاد نداریم... این را بهتر می‌دانید.

۲۲۷. برای حفظ نظم مدرسه‌ی یکشنبه چه کسی باید در رأس آن باشد؟

۷۴ سرپرست و مدیر مدرسه‌ی یکشنبه. این کار بر عهده‌ی اوست. قرار نیست او کاری به کار شماس‌ها، امناء، شبان یا هر کس دیگر داشته باشد. او خودش یک منصب مجزا دارد. معلم مدرسه‌ی یکشنبه شما هر که هست، از هویت او بی‌اطلاعم. ولی این معلم مدرسه یکشنبه بنابر وظیفه‌اش باید دقت کند که تمام کلاس‌ها برقرار است و همه‌ی معلم‌ها حاضرند و اگر در یک روز خاص معلمی غیبت داشته باشد جایگزینی برای او بگذارد.

۷۵ بعد هم درست قبل از... همزمان با ارائه‌ی دروس، مدیر مدرسه‌ی یکشنبه باید هدایایی که دریافت کرده‌اند (آنچه در مدرسه‌ی یکشنبه‌ی آنها جمع می‌شود) را بگیرد و گزارشی درباره‌ی تعداد حاضرین، تعداد کتاب مقدس‌هایی که در آن کلاس است و نظایر آن تهیه کند. سپس درست قبل از موعظه وقتی به او علامت دادند باید بیاید در برابر حضار بایستد و موقع ارائه‌ی گزارش درباره‌ی مدرسه‌ی یکشنبه، پس از اتمام کار مدرسه، توضیح دهد که چند معلم حاضر بودند و چند نفر حضور داشتند... تعداد کلاس‌های مدرسه‌ی یکشنبه و همچنین مجموع کل هدایا و نظایر آن را اعلام کند. این کار در حیطه‌ی وظایف شماس‌ها، امناء و شبان‌ها نیست. آنها با این حوزه کاری ندارند، این مسئولیت مدیر مدرسه‌ی یکشنبه است.

۷۶ و بعد هم اگر دید که مدرسه‌ی یکشنبه نیاز به وسایل مشخصی دارد، آن موقع باید مسئله را به هیئت امناء ارجاع دهد و اعضای هیئت امناء ابتدا در این رابطه تشکیل جلسه خواهند داد. و بعد اگر هیئت امناء تشخیص دهد که منابع مالی کافی وجود دارد یعنی از کانال خزانه‌دار، آنگاه می‌توان اقدام به خریداری وسیله‌ی مورد نیاز کرد. اگر چیز دیگری می‌خواهد، وسیله‌ای برای مکتوبات یا هر چه که هست یا اگر خواهان تعدادی کتاب مقدس یا مواردی از این دست است یا اینکه بخواهد برای کسی که موفق به نقل بیشترین آیات و نگاشته‌ها شده به عنوان جایزه کتاب مقدس بخرد یا اگر مایل باشد همین‌طور هدیه‌ای به کسی بدهد و خواهان ابتیاع آن از طریق کلیسا باشد، در آن حالت باید موضوع را با شماسان مطرح کند... و سپس ببینند که خزانه موجودی لازم را دارد یا نه. ملاحظه می‌کنید؟

۷۷ پس به این ترتیب فکر می‌کنم که این توضیحات پنج پرسش مرتبط با این مبحث را پوشش می‌دهد.

اکنون سؤال بعدی از این قرار است:

۲۲۸. برادر برانهام در خصوص نظم در کلیسا تلاش کردیم طبق استنباطمان از احکام و فرامینی که هنگام تقدیم ساختمان کلیسای جدید اعلام شد، پیش رویم. و با این کار عده‌ای عصبانی شدند و کلیسا را ترک کردند. عده‌ای دیگر هم هرچه بگوییم به سخنانمان اعتنائی نخواهند کرد مخصوصاً بچه‌ها. با والدین درباره‌ی بچه‌هایشان صحبت کرده‌ایم اما نمی‌خواهند مراقب آنها باشند. حال، آیا ما اشتباه متوجه شدیم؟ یا آیا در این رابطه روالی نادرست را در پیش گرفته‌ایم؟ با تشکر.

اکنون اجازه دهید پاسخ این پرسش را به ترتیب نکات مطرح شده بدهم.

در خصوص نظم در کلیسا، تلاش کردیم طبق استنباطمان از احکامی که هنگام تقدیم کلیسای جدید اعلام شد پیش رویم.

۷۸ بله، این کار صحیح است و حق با شماست. باری، به گمانم این سؤال را شماس‌ها پرسیده‌اند زیرا چیزی که در اینجا آمده مربوط به کار شماسان است. بسیار خوب.

با این کار ما معمولاً... عده‌ای معمولاً از دست ما عصبانی شدند.

۷۹ از دست من هم عصبانی می‌شوند! آنها از دست هر کسی عصبانی خواهند شد. توجه دارید؟ شخصی که این چنین رفتار می‌کند مشکلی دارد. رابطه‌ی آنها با خدا مبتنی بر حق و راستی نیست زیرا روح مسیح مطیع تعلیم مسیح، خانه‌ی مسیح و نظم مسیح است. ملاحظه می‌کنید؟ و هر آقا... یا هر خانم و هر شخص اعم از بچه‌ها و آنکه از دست شماس خدانشناسی که به آنها بگوید... و یا والدینی که از دست یک شماس عصبانی می‌شوند... حقیقتاً دلمان می‌خواهد بتوانیم همه را در کلیسا بپذیریم ولی چنانچه این امر صرفاً سبب بروز مشکل در جایی دیگر شود معنی‌اش این است که خاری وجود دارد یا بنا بر اصطلاحی که قدیم‌ترها به کار می‌بردیم «خرگوشی میان توده‌ی هیزم‌هاست.» حق با این شخص نیست.

۸۰ اگر رها کنند و بروند تنها یک کار می‌توان انجام داد: بگذارید بروند و برایشان دعا کنید. می‌بینید؟ و بعد ممکن است برخی از شماسان به کلیسا بروند... یا اینکه گاه سری به خانه‌های آن افراد بزنید و دلیل رفتنشان را جویا شوید و از آنها بپرسید که مشکل چه بود. آنگاه اگر آنها... ببینید آیا می‌توانید آنها را آشتی دهید یا خیر. اگر نشد آنگاه دو یا سه شاهد همراه خود ببرید تا تفاهمی شکل بگیرد. سپس اگر تفاهمی حاصل نشد، باید موضوع در برابر کلیسا اعلام شود، البته در صورتی که این افراد در اینجا از اعضای کلیسا بوده باشند. سپس آنها...

۸۱ و بعد اگر از اعضای این کلیسا نباشند، صد البته اگر از اعضای این جماعت نباشند، باید قانون‌پذیر و نظم‌پذیرشان بکنند. توجه داشته باشید که باید مقرراتی که در اینجا داریم را رعایت کنند زیرا این مقررات کلیساست. اینها کارهایی است که علاقه‌ای به انجامش نداریم، کاری است که تمایلی به انجامش ندارم اما انجام این کارها الزامی

است. و در اینجا دارم خودم را علناً جلو می‌اندازم: از طریق این نوار به آنها بگویید که گوینده‌ی این مطالب من هستم، می‌توانند سخنانم را بشنوند و بدانند که من آن حرف‌ها را زده‌ام و نه شما آقایان. شما این سؤالات را از من پرسیده‌اید و آنچه به شما می‌گویم بر حسب حداکثر معلوماتی است که از کلام خدا یافته‌ام.

۸۲ «برادر برانهام، اما اگر آن اشخاص از دست شما عصبانی شوند و از میان شما بروند نگاشته‌ی مقدس در این باره چه می‌گوید؟»

۸۳ «از ما بیرون شدند لکن از ما نبودند.» و این فصل الخطاب است. «از کلیسا بیرون شدند،» این کاری است که کردند. بسیار خوب.

عده‌ای دیگر هم به سخنانمان اعتنایی نخواهند کرد، مخصوصاً بچه‌ها.

۸۴ علی‌الاصول بچه‌ها باید بدانند انضباط چیست، این چیزی است که باید در منزل فراگیرند. ولی حتی اگر بچه‌های خودم با رفت و آمد وقت و بی‌وقت به اینجا نظم را به هم بریزند، دلم نمی‌خواهد استثنا قائل شوید؛ سارا، ربکا، جوزف، بیلی هر که می‌خواهد باشد. موضوع را به من بگویید و رسیدگی خواهیم کرد. اگر نتوانند به شایستگی رفتار کنند آنگاه تا وقتی رفتار شایسته را بیاموزند از حضور در کلیسا محروم خواهند شد. اینجا میدان عمومی نیست خانه‌ی خداست. اینجا مکانی برای بازی، اسکیت، پیغام نوشتن، خنده و مزه‌پرانی نیست این خانه‌ی خداست و باید به نحوی خدایی اداره شود.

۸۵ شما برای پرستش به اینجا می‌آیید و نه حتی برای بازدید. اینجا گردشگاهی برای پیک‌نیک یا مکانی برای دید و بازدید نیست؛ اینجا مکان بازدید روح‌القدس و دیدار با اوست، قرار است به حرف‌هایی که می‌خواهد بزند گوش بسازیم و نه به حرف‌های یکدیگر. اینجا نمی‌آییم تا با همدیگر مشارکت داشته باشیم، می‌آییم تا با مسیح مشارکت داشته باشیم. اینجا مکان پرستش است. و کودکان باید منضبط باشند اگر آنها... توسط والدینشان. بگذارید این را بدانند! اگر این شماسان... اگر والدین این کودکان به حرف شماس‌ها گوش ندهند آنگاه خود آن والدین هم باید اصلاح شوند.

با والدین درباره‌ی بچه‌هایشان حرف زدیم اما نمی‌خواهند مراقب آنها باشند.

۸۶ اگر از اعضای این کلیسا هستند در آن صورت باید دو یا سه نفر را همراه خود ببرید و آن پدر یا مادر را به یک جلسه‌ی خصوصی در یکی از دفاتر دعوت کنید. برایم فرقی نمی‌کند آن شخص کیست، اگر من هستم، اگر برادر نویل است، اگر بیلی پل و پسر کوچکش است، اگر برادر کالینز و یکی از بچه‌هایش است یا اگر هر کدام از شما هستید، اهمیتی ندارد. ما... ما همدیگر را دوست داریم ولی در بند تعهداتمان نسبت به خدا و کلامش هستیم. اگر داک است... فرقی نمی‌کند چه کسی است، باید همدیگر را فرابخوانیم و با یکدیگر صادق باشیم. اگر با هم صادق نباشیم، خدا چگونه می‌تواند با ما تعامل کند؟ چگونه با او صادق خواهیم بود؟ ملاحظه می‌کنید؟

۸۷ این یک حکم است، ما باید حافظ و مراقب خانه‌ی خدا باشیم! و شماس‌ها بنا بر وظیفه‌ی خود باید بلد باشند چگونه این کار را انجام دهند. ملاحظه می‌کنید؟ و برای همین است که به شما می‌گویم که باید حافظ آن امور باشید. و در صورتی که با والدین

حرف بزنید و آنها به این سخنان گوش نکردند، آنگاه یک شماس دیگر یا یکی از امناء یا یکی از مردان صالح این کلیسا را بردارید و... امناء... هیئت شماسان را وارد ماجرا کنید یعنی همه‌ی شماسان را با هم جمع کرده و بگویید: «برادر جونز، برادر هندرسون، برادر جکسون» یا هرکه باشد، توجه کنید «رفتار بچه‌های آنها نامناسب است، دو یا سه بار موضوع را به آنها گفتیم ولی گوش نمی‌دهند.»

۸۸ سپس برادر جونز یا آن برادر مورد نظر را بیاورید و بگویید: «برادر جونز، شما را برای جلسه به اینجا دعوت کردیم. شما را دوست داریم و... شما از خودمان هستی، یکی از ما هستی. اجازه بده آن نوار را پخش کنم و به اظهارات برادر برانهام در این زمینه گوش کن. حال، از شما خواهش کردیم بچه‌ها را به داشتن رفتاری مناسب ترغیب کنی. توجه می‌کنید؟ چنانچه نتوانند به شکلی مناسب رفتار کنند و نتوانی آنها را به رفتار شایسته واداری، هنگام آمدن به کلیسا آنها را نزد یک نفر بگذار تا زمانی که یاد بگیرند در خانه‌ی خدا چگونه باید رفتار کنند.» ملاحظه می‌کنید؟ این یک حکم است و اجرای آن الزامی است! توجه دارید؟

حال، سؤالی دیگر پیش می‌آید.

و اما آیا ما اشتباه متوجه شدیم؟

۸۹ خیر، آقا اشتباه متوجه نشدید، این رویه‌ی صحیح است. بار دیگر می‌گویم که اینها فرامین هستند. در ارتش از شما نمی‌پرسند: «می‌خواهی فلان کار را بکنی؟» اگر در ارتش هستید، ملزم به انجام آن کار هستید. می‌بینید؟ و این رویه‌ای است که در... من ملزم به موعظه‌ی انجیل هستم. ملزم هستم که پای این امر الهی بایستم فارغ از اینکه دیگر آقایان و برادران و سایرین در این باره چه می‌گویند، انجام این کار برای من الزامی است. مجبورم احساسات را جریحه‌دار کنم و افراد را در هم بشکنم ولی اگر من...

۹۰ دلتان نمی‌خواهد مانند اوسوالد بشوید. ملاحظه می‌کنید؟ اگر نتوانید پس از اینکه با شخصی دچار اختلاف نظر شدید با او دست دهید و همان احساسات قبل را نسبت به او داشته باشید، در آن صورت اشکالی در شما هست. اگر با شخصی اختلاف نظر پیدا کنم (از نوع تلخ و تمام عیار) و نتوانم او را همچنان به همان اندازه در افکارم عزیز بدانم یعنی به همان اندازه که برای مسیح هست، در آن صورت عیب و ایرادی در روح است و روح مسیح را ندارم. توجه می‌کنید؟

۹۱ اگر بگویید: «برادر برانهام، معتقدم که تعلیم شما چنین و چنان است.»

۹۲ «بسیار خوب برادر، بیایید در این مورد معقول بوده و با هم صحبت کنیم. تنها من و شما. ما هر دو به آن اتاق خواهیم رفت و موضوع را با استدلال و منطق خواهیم شکافت.» و [در ادامه] او مرا در هم می‌کوبد و مجبور می‌شوم چیزهایی را در پاسخ به او بگویم. اگر [بعد از آن] نتوانم همان حس را نسبت به او داشته باشم به این معنی که «او همچنان برادر من است و دارم سعی می‌کنم به او کمک کنم» مفهومی این است که هیچ‌گاه به او کمک نخواهم کرد، راهی برای کمک به او از جانب من وجود

نخواهد داشت. اگر دوستدار او نباشم، آیا رفتن به آنجا می‌تواند سودمند باشد؟ به او بگویید: «برادر، بگذار قبل از هر چیز و از همان اول بگویم که نسبت به تو محبتی ندارم، اجازه بده پیش از رفتن به آنجا همین‌جا این مشکل را از دلم بیرون کنم چون تا وقتی دوستداری نباشم نمی‌توانم کمکت کنم.»

۹۳ و این درست است، رویه‌ی صحیح همین است. پس ادامه دهید شما دقیقاً کار را به شکل صحیح انجام دادید، روال درست همین است. به هیچ وجه اشتباه متوجه نشدید.

آیا در این رابطه روال نادرستی در پیش گرفته‌ایم؟

۹۴ خیر، روال صحیح انجام کار همین است. نظم باید برقرار شود! چون پیوسته... باری، بچه‌های کوچک و مادرها، نوزادان و موارد مانند آن گریه خواهند کرد و اگر بیش از حد گریه کردند و [سخنان] شبانتان که آن بالاست را قطع کردند، یادتان باشد که شما محافظان وی هستید، شما محافظان وی در چهارچوب انجیل هستید. می‌بینید؟ و اگر این امر سبب قطع پیغام خداوند می‌شود آنگاه شما که شماس هستید باید چه کار بکنید؟ درست مانند شخصی که به زبان‌ها تکلم می‌کند و تعهداتی بر دوش اوست. کسی که موعظه می‌کند نسبت به کلام متعهد است، نسبت به این امور تعهد دارد. هر کدام از شما نسبت به منصبی که برایتان تعریف شده تعهداتی دارید و دلیل حضورمان در اینجا عمل به همین تعهدات است.

۹۵ حال، نمی‌خواهیم خیلی معطل شویم و می‌دانم که تا دقایقی دیگر قرار داریم بنابراین سعی خواهیم کرد تا حدی که برایم مقدور است شتاب کنم.

۲۲۹. برادر برانهام...

سه یا دو سؤال روی این برگه هست.

برادر برانهام، سیاست جمع‌آوری کمک و هدایا در کلیسا برای مردم چگونه باید باشد؟ این کار به چه شکل باید انجام شود؟

۹۶ فکر می‌کنم جمع‌آوری کمک و هدایا در کلیسا برای مردم نباید انجام شود مگر اینکه برای شبانتان باشد. و گمان می‌کنم که اگر کسی برای مواردی از نوع کمک‌خواهی و خیریه یا مانند آن مراجعه کرد... یا کسی که نیاز شدید دارد مثلاً یکی از اعضای اینجا، از میان جماعت ما، به سخنی اگر آن شخص یکی از برادران ماست که مشکل دارد؛ خوب در آن صورت فکر می‌کنم که باید این موضوع از بالای سکو اعلام شود، بگذارید شبان این کار را بکنند، فکر می‌کنم این کار وظیفه‌ی اوست. برادری در تنگناست، بگذارید او این مسئله را برای کلیسا مطرح کند یعنی اگر قرار باشد به این ترتیب عمل شود.

۹۷ اگر کسی باشد که نیازمند است و نمی‌خواهید برای آن شخص نیازمند از راه اعلام عمومی کمک جمع‌آوری کنید در آن صورت بگذارید اعضای هیئت‌ها جمع شوند و بر سر مبالغ مشخصی که قصد دارند از محل خزانه به آن شخص بدهند توافق کنند. ولی اگر در آن مقطع موجودی خزانه کم است و بضاعت این کار را نداشته باشید در آن صورت باید کمک جمع‌آوری کرد، بسیار خوب اجازه دهید-بگذارید... این مسئله

در هیئت مورد بحث قرار گیرد و دستورات به شبان منتقل شود و بگذارید شبان در این رابطه تقاضایی بدهد. بگوید: «اکنون امشب (برای برادرمان جونز حادثه‌ای هولناک پیش آمد و خانه‌اش آتش گرفت.) و امشب هر یک از ما به عنوان مسیحی همراه یکدیگر قول خواهیم داد تا برای کمک به برادر جونز و برای اینکه خانه‌اش را دوباره تحویل بگیرد هر کار از دستمان برمی‌آید، انجام دهیم.» یا هر موردی که مطرح شود. ببینید، ما با... ما این کار را خواهیم کرد. بگذارید از روی سکو اعلام شود [چون] روال کار به این شکل است. و سپس بگذارید مبالغی را بر حسب قولی که دادند تقدیم کنند و آن مبالغ را به خزانه‌دار کلیسا تحویل دهید. و آن مبالغ که قولش داده شد باید از طریق خزانه‌دار پرداخت شود و به آنها داده شود. و برای این کار به آن شخص یک رسید بدهید چون نمی‌دانم که آیا مشمول اعاده‌ی مالیات می‌شود یا نه، به گمانم برای چنین چیزی است.

۹۸ و اما وقتی پای یک-یک غریبه به میان می‌آید، غریبه‌ای می‌آید و او... آقایی از راه می‌رسد و می‌گوید: «خوب، می‌دانید چه؟ در حال سفرم و لاستیکم پنجر شده و نیاز به یک لاستیک نو دارم. امشب برایم کمک جمع کنید تا لاستیک نو داشته باشم.» حال، این کار نباید انجام شود. خیر، نباید انجام شود. چنانچه به نظر آمد که خیری در این کار است و مربوط به کسی است که می‌شناسید، هیئت مختار است که تشکیل جلسه دهد و مبلغی را از خزانه معین کند و برای آن آقا لاستیک بخرد یا هر چه که هست. اگر موجودی خزانه کم است و هیئت تصمیم گرفت که... شبان نباید کاری به این مسئله داشته باشد، شماس‌ها یا هیئت‌ها وظیفه‌ی رسیدگی به موضوع را دارند. حال اگر این... اگر با درخواست موافقت شد آنگاه ادامه‌ی کار را به شبان بسپارید، شبان می‌تواند کمک‌ها را جمع کند. ولی توجه داشته باشید که اگر آن شخص غریبه است و شرایطش اضطراری است و به اندکی پول نیاز دارد و قرار است در راهی درست خرج شود، (حال این نظر من است) اگر برای هدفی به راستی شایسته است و می‌دانید که برای هدفی درست است...

۹۹ حال، نخست اینکه اگر به آن بالا بروید و نگاهی به کتاب‌هایی که در خانه دارم بیندازید، از کسانی که آمده و گفتند: «من کشیش فلان و بهمان از این کلیسای مشخص و معین هستم و اینجا در میان راه دچار مشکل شدم و به یک ست لاستیک نیاز دارم.» با علم به اینکه تازه از جلسه‌ای می‌آیم که در آن هدایا یا چیز دیگری مانند آن دریافت کرده‌ام، تقریباً آنچه دارم را به وی می‌بخشم تا یک ست لاستیک تهیه کند. بعد که می‌روم و نگاهی به متن پیاده شده از جلسات می‌کنم معلوم می‌شود که اصلاً چنین خادمی وجود ندارد و هرگز چنین شخصی در آن مکان زندگی نکرده است. و بر حسب آنچه روی کتاب‌ها ثبت شده، ده یا بیست هزار دلار را در این سال‌ها به همین شکل بخشیده‌ام و هیچ‌گاه چیزی درباره‌ی آنها و اینکه کجا بودند، نفهمیدم. متوجه شدم خادمان دیگر می‌گویند: «اما او برای فلان و فلان کار و چنین و چنان مورد از من [پول] کند.»

۱۰۰ کلیسا نسبت به اعضای خود مسئولیت دارد. درست است. جماعت نسبت به اعضا مسئولیت دارند.

۱۰۱ ولی اگر به نظر رسید که هدف ارزشمند است آنگاه اگر شما، اگر شما امانه بگویید: «خوب، یک دقیقه صبر کن. ماشین این آقا آنجاست، این اتفاق رخ داده است و این... از جماعت ما نیست ولی این مسئله پیش آمده است.» آنگاه اگر خواستند به این ترتیب عمل کنند و مطلب خاصی درباره‌ی یک غریبه بگویند...

۱۰۲ ولی چنانکه دقت داشته باشید، این قاعده شامل حال اعضای ما به عبارتی افراد جماعت ما نمی‌شود، برای اعضای این جماعت باید همین‌جا و در میان برادرانشان جمع‌آوری شود، بله.

۱۰۳ ولی اگر کسی از بیرون آمده و بگوید گرسنه است... و یکی از عزیزان بخواهد از جیب خود به آن شخص صدقه دهد، پیداست که این اختیار را دارد ولی صحبت من درباره‌ی کلیسا است. و آنگاه اگر از اعضای کلیسا تقاضای هدیه بشود آن موقع...

۱۰۴ حال، اگر یک واعظ یا مبشر در اینجا برای موعظه حضور یابد، می‌دانید، در آن حالت قابل فهم است که پیش از آمدنش هدیه‌ای به او بدهید یا به او دستمزد بدهید یا هرچه خودش بخواهد.

۱۰۵ اما اگر این شخص اینجا باشد و پای هدفی درست در میان باشد و شبان... و هیئت به توافق رسیده باشد و شبان را از تصمیمش مطلع کرده باشد، آنجاست که شبان می‌تواند بگوید: «این آقا که غریبه هستند آمده و از ما تقاضای... می‌گویند بچه‌هایش گرسنه‌اند. برای بررسی صحت این ادعا زمان کافی نداریم.» ملاحظه می‌کنید؟

۱۰۶ اگر موردی شبیه این پیش آمد آن وقت ما... اگر موردی مشابه برای اعضای جمع خودمان پیش بیاید شماس‌هایمان درباره‌ی این ادعاها تحقیق می‌کنند. توجه دارید؟ و بعد اگر ارزش پیگیری داشت آنچه لازم است را انجام دهید. اگر ارزش پیگیری نداشت کاری نکنید، نیازی نیست کاری انجام دهید. اما چنانچه مربوط به کسی است که اینجا حضور دارد، بگذارید شبان بگوید: «اکنون، هیئت امانه به من گفت این شخص را می‌شناسند. و اما این شخص همین‌جا نشسته و خودش را جیم جونز معرفی کرده است.» یا هرچه هست «او درست همین‌جا نشسته است. آقای جونز لطفاً بایستید؟ آقای جونز، پایان جلسه هنگام خروج کنار در پشتی بایستید. و اگر کسی از میان شما جمع حاضر در قلبش حس می‌کند... یا هر کار که می‌خواهید برای این عزیز انجام دهید... هنگام خروج آنچه در نظرتان است را به او بدهید.» متوجه شدید؟

۱۰۷ آیا آن مطلب را متوجه شدید؟ برای آنها که از روی نوار... یکی از... برادر کالینز آن بخش را روی نوارش از دست داد. می‌خواهم آن را دوباره نقل کنم... چون او یکی از شماس‌هاست.

۱۰۸ اگر یکی از... شخصی پیش شما آمد... و شرایطش اضطراری باشد و از کلیسا درخواست کمک کند بگذارید امانه یا شماس‌ها جمع شوند و... جمع شده و تصمیم بگیرند و سپس به شبان بگویید که باید به این ترتیب عمل شود. بگذارید آنها... بگذارید

شبان بگوید: «فلان شخص» او را به نام بخوانید، «ما ایشان را نمی‌شناسیم. اینجا ما چنین سیاستی داریم که پیش از اقدام به جمع‌آوری کمک برای افراد تحقیق می‌کنیم یعنی برای آنها که از جمع خودمان هستند ولی آقایی که اینجا حضور دارد می‌گوید که شرایطش بد است، درگیر وضعیتی اضطراری شده، فرزندان بیمار دارد، در تلاش برای تهیه‌ی دارو برای فرزندان است.» یا هر نوع فوریتی که در کار باشد. «حال ایشان درست همین‌جا حضور دارند. جناب، لطف می‌کنید بایستید؟» آری، بگذارید بایستد. بگوید: «کنون شما حضار ببینید چه... ایشان چه کسی هستند. حال در پایان جلسه این آقا باید کنار در جلویی بایستد و آنهایی که هنگام خروج حس کنند می‌خواهند هدیه‌ای برای این کار تقدیم کنند آزادند. ما فقط این موضوع را در کلیسا اعلام کردیم.» شما ماجرا را تأیید یا تصدیق نمی‌کنید بلکه فقط اعلامش می‌کنید. توجه دارید، این کار مصداق برخورد از سر مهمان‌نوازی و غریب‌نوازی در قبال یک فرد بیگانه است. دقت دارید؟ حالا درک می‌کنید؟ بسیار خوب.

۱۰۹ به نظر با این توضیحات حق مطلب درباره‌ی این سؤال ادا شده باشد.

۲۳۰ تکلیف نوارها چه می‌شود؟ حال... تا... تکلیف نوارها چه می‌شود؟ یک علامت سؤال آمده. افراد زیادی با دفتر نامه‌نگاری می‌کنند و شما را بابت اقداماتی که در رابطه با نوارها صورت گرفته، سرزنش می‌کنند. همچنین با آنها که نوارها را در اطراف کلیسا می‌فروشند چه برخوردی باید صورت گیرد، در شرایطی که آقای مگوایر مجبور است بابت این نوارها حق امتیاز بپردازد.

۱۱۰ بسیار خوب. کار نوارها طبق یک قرارداد انجام می‌شود. و اگر من... اطلاع دقیقی از تاریخ انقضای قرارداد ندارم ولی رسیدگی به این موضوع بر عهده‌ی امضاء است نه شماسان بلکه امضاء؛ نه شبان بلکه امضاء. تا آنجا که خیر دارم هیئت امضاء معمولاً هر چند وقت یکبار یک قرارداد امضا می‌کند. اگر غیر از این باشد، عزیزان هیئت امضاء می‌توانند قضیه را اصلاح کنند. امضاء با شخصی که نوارها را تهیه و آماده می‌کند قرارداد دارند و این نوارها بر پایه‌ی نمایندگی و حق امتیاز هستند.

۱۱۱ کسی حق ضبط ندارد مگر در مواردی که مجوز این کار را از دارنده‌ی حق امتیاز گرفته باشد همچنین فروش آنها جز با توافق دارنده‌ی امتیاز مجاز نیست چون این قانون است که شرایط مربوط به حق امتیاز و دارنده‌ی آن را تعیین کرده است. توجه دارید؟ و اگر حق... دارنده‌ی حق امتیاز دلش می‌خواهد که این شخص و آن شخص هم نوار آماده کنند، صاحب اختیار است. اگر دلش خواست که همگان نوار آماده کنند، به خودش بستگی دارد. چنانچه بخواهد که همگان نوار بفروشند... به کسی که حق امتیاز دارد برمی‌گردد. فروشنده برای آماده‌سازی و فروش نوار باید امضا مکتوب صاحب امتیاز را گرفته باشد آنگاه از نظر قانونی میراست. چون اگر نگرفته باشد آقایی که صاحب امتیاز است... قانوناً خود را در معرض... (اگر آدم ناسالمی باشد که بخواهد مشکلی ایجاد کند واقعاً توان این کار را دارد.) اگر از کنار آن حق امتیاز بگذرید چون درست مثل حق کپی رایت است، همان است. شما اجازه‌ی این کار را ندارید، جریمه‌ی سنگینی بابت آن در نظر گرفته‌اند.

۱۱۲ بنابراین چنانچه عده‌ای در کار تهیه و آماده‌سازی نوار هستند شاید با آقای مگوایر که حق امتیازهای آن را دریافت می‌کند، به توافق رسیده‌اند. و حال... اطلاعی از این جریان ندارم چون آن قدر اینجا و در کنار شما نیستم تا در جریان این مسائل و اینکه به چه کسی ربط دارد، باشم. به گمانم هنوز آقای مگوایر دارنده‌ی آن است چون وقتی در کالیفرنیا و آریزونا یا جایی دیگر بودم متوجه شدم که مردم هنوز هم نوارها را از کالیفرنیا می‌خرند. برادر سوتمن که از برادران ما در این کلیسا هستند، پدر خانم آقای مگوایر می‌باشند. فکر می‌کنم آقای مگوایر هنوز حق امتیاز آن را داشته باشد.

۱۱۳ و اینک کلی شکایت در خصوص ماجرای تهیه و تولید نوارها رسیده است. حال وقتی شکایتی در خصوص موارد مربوط به مسائل مالی کلیسا طرح می‌شود، وظیفه‌ی امناء است که موضوع را حل و فصل کنند. توجه دارید؟ به هیچ عنوان نباید کوچکترین مشکل و ابهامی وجود داشته باشد.

حال، همان‌طور که شاهدید روی این برگه نوشته شده است:

با دفتر نامه‌نگاری می‌کنند و شما را سرزنش می‌کنند.

۱۱۴ راستش را بخواهید، نامه‌های بسیاری در این رابطه به دستم رسیده و دوست دارم بدانم دلیل اینکه موفق به دریافت نوارهایشان نمی‌شوند چیست. اکنون شما در جریان مفاد قرارداتان با دارنده‌ی حق امتیاز هستید تا جایی که متوجه شدم... نوارها... نمی‌خواهم خودم درگیر این ماجرا شوم ولی اگر کسی بتواند از طریق نوار سبب گسترش انجیل شود، «آمین!»

۱۱۵ ابتدا برادر رابرسون و همراهانش کار [ضبط و آماده‌سازی] را آغاز کردند همچنین برادر بیلر و بسیاری از آنها هم جزو آغازگران این کار بودند سپس آن دو پسر، برادر مرسیر و برادر گلود چندین سال این کار را کردند و البته هر زمان هر کدام از آن آقایان مسئولیت انجام این کار را بر عهده داشت، از شکوه‌ها و گلایه‌ها در امان نماند. ولی از قرار معلوم این اواخر شکایات عمده‌ای مطرح شده مبنی بر اینکه نوارها به دست افراد نرسیده است. مردم از سراسر کشور با من تماس گرفتند. مورد دیگر هم مربوط به نوارهایی است که دوباره چیزی رویشان ضبط شده است. یک دقیقه قبل‌تر یک چیز را پخش می‌کنند و یک دقیقه بعد چیزی دیگر را، طوری که شنونده نمی‌تواند مطالب را درک کند.

۱۱۶ حال افرادی که برای این نوارها پول می‌پردازند باید نسخه‌ی اصلی نوار را دریافت کنند. به اینکه چه دریافت می‌کند کاری ندارم آنچه ما می‌خواهیم این است که مشتری‌ها و برادرانمان (آنها مشتری‌ها و برادرانمان محسوب می‌شوند) یک نوار «درجه یک» داشته باشند و باید چنین باشد. بنابراین شما امناء پیگیر باشید تا رضایت مردم جلب شود. اگر ناراضی بودند بلافاصله باید پولشان به آنها عودت داده شود.

۱۱۷ کسی با من تماس گرفت و گفت که ماه‌ها برای دریافت نوارها صبر کرده‌اند. حال، نمی‌دانم برادر مگوایر این کار را به چه ترتیب انجام می‌دهد. چیزی در این باره نمی‌دانم، از آنجا که اطلاعی در این رابطه ندارم... من... دانستن این امر ارتباطی با

مسئولیت‌های من ندارد، این مسئله در حیطه‌ی وظایف اماناء است. بر آن نیستم تا دخالت کنم بلکه صرفاً قانونش را برایتان بازگو می‌کنم. می‌بینید؟ قانونش این است که این نوارها از زمان ارسال برای متقاضی یک روز یا سه یا چهار یا پنج روز در راه باشند و پس از ارسال، نوارها باید در صندوق پست باشند در غیر این صورت هرگاه این ضوابط رعایت نشد می‌توان حق امتیاز را باطل کرد. ملاحظه می‌کنید؟

۱۱۸ بلی قرار شده چنین باشد که این قرارداد هر شش ماه یا هر یک سال یکبار تجدید شود. شما موظفید در تاریخ معینی که در حق امتیاز آمده، جمع شوید. و قرار شده چنین باشد که همزمان افراد دیگر هم حضور پیدا کنند شما موظفید به کسانی که در رابطه با نوارها سؤال کردند خبر دهید. قرارداد را بیاورید، بنشینید و درباره‌اش بحث کنید.

۱۱۹ حال، این ضوابط باید اجرا شود! توجه دارید؟ و باید به درستی اجرا شود چون شکایاتی مطرح شده است. مردم از لثو و جین شاکی هستند، از همه شاکی شده‌اند، از برادر مگوایر شاکی شده‌اند و از یک نفر دیگر هم شاکی خواهند شد ولی باید اجازه داد تا جنس شکایات معلوم شود.

۱۲۰ اکنون وقتی نوارها روی هم جمع می‌شوند، جعبه‌های آنها و سیلی از نامه‌ها می‌رسد و آنها... متوجه هستید که بار تمام اینها روی دوش من می‌افتد و نه روی تولیدکننده‌ی نوارها. مردم همواره بابت این جریان به من می‌توبند. حال، یکی از وظایفم به عنوان مسیحی توجه به این مورد است که مردم در ازای پولی که می‌پردازند چه تحویل می‌گیرند همچنین از شما اماناء می‌خواهم که به این مهم و رسیدن نوارها به دست افراد نظارت داشته باشید. اگر لازم است با افزایش قیمت، نوارهای بهتر بگیرید، یک ماشین و دستگاه بهتر بخرید، خواسته‌ی ما این است که مسئول آماده‌سازی نوارها این کار را به درستی انجام دهد. دلخواه ما این است. نوار باید درست تولید و آماده شود! و مشتری باید رضایت داشته باشد در غیر این صورت کار تولید و تهیه‌ی نوار را کلاً متوقف کنید، نوار بی‌نوار! بگذارید هر کس تمایل داشت آنها را تولید کند. اما اگر قرار است مردم بابت نوارها پول بپردازند باید حس کنند که آنچه تحویل می‌گیرند برابر هزینه‌ای است که کرده‌اند زیرا مسیحیت همین است. بیش از این نیست که...

۱۲۱ وقتی مردم برای شنیدن انجیل به اینجا می‌آیند دوست دارم بهترین چیزی که بدم و می‌توانم را تقدیمشان کنم و دوست دارم در زمان حضور این عزیزان مراقب باشید روال کار برای هر کس و هر موردی چنانکه باید و شاید پیش رود. علت اینکه اینجا و امشب به شما شماسان، اماناء و شبانان می‌گویم که باید این [احکام و ضوابط] را مو به مو اجرا کنید همین است زیرا مردم برای یافتن خدا به اینجا حاضر می‌شوند پس باید نظم را در همه‌ی این امور برقرار کنیم.

۱۲۲ و همچنین نوارها باید سر و سامان داشته باشد. اگر قرار است قیمت بالا برود و پول بیشتری بدهند چنانچه نوارهای درجه دو به آنها تحویل داده باشند... بروید و نوارهای بهتر تهیه کنید. اگر لازم است آنها را به قیمتی بالاتر عرضه کنید، قیمت‌ها را افزایش دهید ولی بگذارید مشتری چیزی در خور مبلغ بالاتری که می‌پردازد، نصیبش شود.

۱۲۳ به ذره‌ای از حق‌التألیف حتی در حد یک پنی هم چشم ندارم، خیمه چشمداستی به آن ندارد، دوست ندارم که داشته باشید. توجه شما به آن حق‌التألیف‌ها نباشد اگر مقداری از آن را پرداخت می‌کنند... حدس می‌زنم مجبورید مبلغ اندکی از حق‌التألیف را دریافت کنید، به این دلیل که کار در اینجا انجام می‌شود. فکر می‌کنم این حرفی است که آنها، آقای میلر و دیگران درباره‌ی روند قانونی گفتند به این معنی که باید مقداری معین به عنوان حق‌التألیف دریافت کنیم و نظایر این. توجه به این مورد بر عهده‌ی همه‌ی شماست. من کاری به این امور و آنچه تنظیم شده ندارم، شما همگی باید به این مورد رسیدگی کنید. من نمی‌توانم به تمام این امور برسم، فقط ترتیب و نحوه‌ی مدیریتش را به شما می‌گویم. آن... متوجه شدید که گفتم: «باید مدیریت شود.» خواسته‌ی ما این است که مسائل به شکل درست مدیریت شود.

۱۲۴ اگر به دستگاهی بهتر نیاز پیدا کردند، یک دستگاه بهتر تهیه کنید. اگر باید... پس به آنها گفتم: «در هر... در هر مأموریتی که عازم میدانی می‌شوم پیش از رفتن به شما اطلاع خواهم داد که در آنجا چه موعظاتی ایراد خواهم کرد، چیزی که من پیش‌تر...» و بر حسب قولی که به شما دادم و یکشنبه شب هم قرار است آن را دوباره از سر بگیرم، مقرر شد که: «پیش از اینکه یک پیغام جدید موعظه کنم نخست آن را در خیمه ایراد کنم چون به نظر می‌رسد که با کیفیت بهتری ضبط می‌کنند.» یادتان هست؟ به این ترتیب اینجا می‌آیم و پیغام را موعظه می‌کنم و بعد برمی‌گردم و به مسئول نوارها اطلاع می‌دهم که چه جلساتی... از من می‌پرسند: «کدامشان؟ قرار است چه موعظه کنی؟» به او می‌گویم: «مشب قرار است فلان و بهمان [بحث] را مطرح کنم، امشب به این و آن موضوع خواهم پرداخت.» به این ترتیب می‌توانند آن نوار مورد نظر را از قبل آماده کرده و در اختیار مشتری قرار دهند تا درست از همان‌جا دریافت کنند. آن را با خودشان دارند، نوازی که در جلسه دارند کیفیت بهتری دارد چون درست اینجا و در خیمه‌ای که وضعیت آکوستیک خوبی دارد تولید شده است. ملاحظه می‌کنید؟

۱۲۵ باری، حالا که رهسپار مأموریت عظیم اشاعه‌ی انجیل هستم، با توجه به کاری که قرار است در آن سوی آب‌ها انجام دهم، دقت داشته باشید که نمی‌توانم قول دهم که نخستین پیغام را اینجا ارائه کنم. چون وقتی در نقاط مختلف موعظه می‌کنید، باید چیزی داشته باشید که... پیش می‌آید که [پیغامی] تازگی‌اش را برای شما از دست می‌دهد و به شکلی ناگزیر تازگی‌اش را برای آنها که به آن گوش می‌کنند هم از دست می‌دهد. باید کاری متفاوت انجام دهید، عنایت دارید و پیغامی که متناسب با آنجاست را برسانید. ولی باید دستگاهی در محوطه بگذارند که این نوارها را کامل و دقیق ضبط کند.

۱۲۶ و یک نوار بدون نقص و کامل آماده کنید و نوارها را عقب و جلو کنید و قبل از ارسال کنترل کنید در غیر این صورت کل کار را متوقف کنید. کاری به این جریان نداشته باشید و بگذارید هر کس نوار خودش را تولید کند. دقت می‌کنید؟ ولی این کار

را درست انجام دهید تا این شکایات تمام شود. به هیچ وجه خواهان شکایت نیستیم. اگر شکایتی وجود دارد به آن رسیدگی کنید و سپس کارمان با آن تمام می‌شود.

۱۲۷ و اما با حداکثر شتابی که برایم ممکن است ادامه خواهیم داد. بیلی حدوداً دو سؤال یا سه سؤال دیگر اینجا دارد و بعد به پایان جلسه خواهیم رسید.

۲۳۱. برادر برانهام یک شماس برای حفظ نظم در کلیسا تا کجا می‌تواند پیش برود؟ آیا باید نظم را برقرار کنیم یا صبر کنیم تا برادر نویل به ما بگوید که چنین کنیم؟

۱۲۸ این وظیفه‌ی برادر نویل نیست، وظیفه‌ی شماس است. توجه می‌کنید؟ شما به برادر نویل نمی‌گویید درباره‌ی چه و چگونه موعظه کند. توجه داشته باشید این وظیفه‌ی شما شماسان است، شما موظف به انجام این کار هستید. به این مسئله رسیدگی می‌کنید. این جریان ربطی به برادر نویل ندارد، کار شماس است. ملاحظه می‌کنید؟

۱۲۹ حال، اگر یک مأمور پلیس آن بیرون و در خیابان باشد و شاهد سرقت دارایی کسی از عقب یک ماشین باشد، آیا باید با شهردار تماس گرفته و بگوید: «شهردار والاتبار، قربان من اینجا در نیروی پلیس برای شما کار می‌کنم، حال بالای این خیابان آقایی را پیدا کردم که شب گذشته در حال سرقت لاستیک‌های ماشین بود، مایلم بی‌رسم که نظرتان در این باره چیست؟» بله! می‌بینید؟ عنایت دارید که چنین کاری معقول نیست. مگر غیر از این است؟ خیر، آقا. اگر در حال انجام خلاف بود، دستگیرش کنید.

۱۳۰ و اگر شخصی اینجا در کلیسا حرکت اشتباهی می‌کند یا هر کسی... متوقفش کنید، با او صحبت کنید. البته برخوردتان باید عاری از غرور باشد ولی اگر گوش ندادند به شیوه‌ای صحبت کنید که متوجه منظور شما بشوند. توجه دارید؟ مانند هنگامی که یک بچه رفتاری نامناسب دارد و شما می‌گویید: «آنجا برگرد.» شماس‌ها، جایگاه خود را حفظ کنید! بگذارید... شما چهار نفرید، دو نفر جلو بایستید و دو نفر هم آن انتها، در گوشه‌ها یا جایی مانند آن. و با دقت تمام موقعیت را زیر نظر بگیرید چون افراد یاغی و این چنینی وارد می‌شوند، ملاحظه می‌کنید؟ هشیار بوده و در حالت آماده‌باش بمانید، شما در موضع انجام وظیفه و مأموریت خود استقرار می‌یابید و همان‌جا می‌مانید، این صندلی شماس است یا اینکه درست کنار دیوار بایستید و نظاره‌گر ورود همگان باشید.

۱۳۱ شماس از خانه‌ی خدا مراقبت می‌کند. با افرادی که وارد می‌شوند صحبت کنید و با آنها دست دهید، برای خوشامدگویی به مردم آنجا باشید. به این ترتیب شما پلیس‌های آنجا هستید: «اجازه می‌دهید رختکن را به شما نشان دهیم؟» یا «بفرمایید بنشینید.» «می‌خواهید یک سروندانه یا چیزی دستتان بدهم؟» یا «کنون دل‌مان می‌خواهد در اینجا اوقات خوشی را تجربه نموده و دعا کنید، از اینکه امشب در میان ما حضور دارید بسیار خوشوقتیم.» مردم را به مکانی راهنمایی کرده و بگویید: «می‌خواهید قدری نزدیک‌تر باشید یا دوست دارید همین انتها باشید؟» یا هر جای دیگر. این رسم مهمان‌نوازی است.

۱۳۲ یک مأمور پلیس (یا شماس) به یک عضو واحد پلیس نظامی در ارتش می‌ماند، دارای وجهت و احترام اما توأم با اقتدار و اختیار. توجه دارید؟ می‌دانید یک پلیس نظامی به واقع چه موقعیتی دارد و چنانچه از حقوق خود استفاده کند... فکر می‌کنم از این نظر مثل یک روحانی فعال در سازمان‌های غیرروحانی است. متوجه هستید؟ دارای منزلت و احترام و همه‌ی اینهاست ولی در عین حال حرفش اقتدار دارد یا به قولی باید از او حساب ببرند. ببینید او... این نوآمده‌ها بیرون می‌روند و مست می‌کنند و او آنها را سر جایشان می‌نشانند. و شماس هم باید همین کار را بکند و آنها را سر جایشان بنشانند.

۱۳۳ پس یادتان باشد که شماس یک پلیس است و منصب شماسی به واقع از اغلب مناصب کلیسا دارای سختگیری و قاطعیت بیشتری است. منصب دیگری را نمی‌شناسم که سختگیرانه‌تر از شماسی باشد. درست است چون او یک کار راستین دارد و مرد خداست. او همان قدر مرد خداست که شبان مرد خداست. یقیناً هست. او خادم خداست.

۱۳۴ حال تنها مورد... امناء از جانب پروردگار زیر بار تکلیف رفته‌اند و مأموریتشان نظارت بر مسائل مالی و ساماندهی به آنها و موارد جاری مانند آن است. از آن نوارها به شما گفتم و از سایر مسائل جاری مربوط به اینجا، از ساختمان و تعمیرات و پیگیری مسائل مالی و این موارد، آنها امین بر این امورند: ملک، مسائل مالی و این قبیل امور. این حوزه ربطی به شماسان ندارد. و همچنین امناء هم هیچ ربطی به منصب و وظیفه‌ی شماسی ندارند.

۱۳۵ و اما اگر شماس‌ها در رابطه با مسئله‌ای از امناء درخواست کمک کنند یا امناء از شماس‌ها کمک بخواهند، همه با هم همکاری می‌کنید... ولی اینها وظایف و تعهدات شماس است که جنبه‌ی انحصاری دارد. ملاحظه می‌کنید؟ بسیار خوب.

۱۳۶ پس از برادر نویل سؤال و استعلام نکنید. اگر برادر نویل کاری از شما بخواهد، روی این حساب که او شبان شماس است، با احترام و محبت و تمام اینها... اگر بگوید: «برادر کالینز، برادر هیکرسون، برادر تونی یا هر عزیز دیگر، می‌توانید بروید ببینید آن انتها و در آن گوشه چه مشکلی پیش آمده است؟» پس جا دارد همانند یک مرد راستین خدا در موضع انجام وظیفه‌ی خود باشید.

۱۳۷ یادتان باشد شما نه برای خیمه‌ی برانهام کار می‌کنید و نه برای برادر نویل یا من، شما برای عیسی مسیح کار می‌کنید. ملاحظه می‌کنید؟ شما... این کیستی شماس است... و او [عیسی مسیح] برای تعهد و وفاداری شما همان اندازه ارزش و احترام قائل است که برای کار آن شبان یا یک شخص دیگر، توقع او از شما وفاداری و تعهد است! ما می‌خواهیم وفاداری خویش را ابراز کنیم.

۱۳۸ آری، گاهی کار دشوار می‌شود. برایم سخت است که ببینم خادمی که از صمیم قلب دوستش دارم آنجا نشسته و من مجبورم به شکل صریح مطلبی به او بگویم اما ببینید مجبورم برای کمک به او با شیوه‌ای محبت‌آمیز دست به کار شوم. ولی چنانکه

مستحضرید پیش من می‌آیند و می‌گویند: «برادر برانهام، شما آدم فوق‌العاده‌ای هستی. چرا نمی‌توانی اندکی بر سر جریان تعمیم و این، آن و آن مورد دیگر و قضیه‌ی امنیت و ذریت مار سازش کنی؟»

۱۳۹ می‌گویم: «برادر، شما را دوست دارم ولی بیاییم... نگاشته‌ی مقدس را برادریم و بینیم حق با کیست و چه کسی ناحق می‌گوید.» توجه دارید؟ باید این توانایی را داشته باشم که...

۱۴۰ «اکنون برادر برانهام، به شما می‌گویم که کاملاً در اشتباه هستی.» چنانکه می‌بینید همین‌طور ادامه می‌دهد.

۱۴۱ می‌گویم: «شاید باشم. یقیناً اگر در اشتباه باشم (می‌گویی که می‌دانی در چه مورد اشتباه می‌کنم) پس نشانم بده اشتباهم کجاست.» مشتاقم دریابم، توجه دارید؟

۱۴۲ وقتی می‌گویند: «کار تو نیست که به آن بچه بگویی بنشینند.» همان حکایت است. حال، شماس محافظ خانه‌ی خداست. توجه دارید؟ بله، اگر شما... او مراقب خانه‌ی خدا و حافظ و برقرارکننده‌ی نظم در آن است. نگاشته‌ی مقدس همین را می‌گوید و اگر برای شماس وظیفه‌ی دیگری متصور هستید، بیایید و به من بگویید. ملاحظه می‌کنید اینجا هم قضیه همان است ولی وظیفه‌ی شماس است که این کار را انجام دهید، بله فقط پشتیبانی کنید.

۱۴۳ و نباید در این باره [برای کسب تکلیف] از کسی سؤال و استعلام کنید، این وظیفه‌ی شماس است و تمام. برادر نویل از کسی استعلام نمی‌کند، لازم نیست کلیسا استعلام کند... منظورم این است که نیازی نیست امانت از برادر نویل کسب تکلیف کنند که آیا می‌خواهد برای خیمه سقف بگذارد یا نه. دقت می‌کنید؟ خیر، خیر، این نه به برادر نویل مربوط است نه به من، این بر عهده‌ی شماس است. شماس‌ها نباید...

۱۴۴ کار شبان هم به همین منوال است. «در باره‌ی چه می‌خواهی موعظه کنی؟ دلم نمی‌خواهد این کار را بکنی.» آنها در جایگاهی نیستند که چنین حرفی بزنند، او تحت هدایت خداست، عنایت دارید که شبان آنهاست. و بعد اگر-اگر... برادر نویل پیغامی که خداوند به ما داده را موعظه می‌کند و همه در آن مشارکت می‌کنیم. و اگر مطلب نادرستی به برادر نویل بگویم خدا مرا بابت آن مسئول می‌داند. درست است. ملاحظه می‌کنید؟ بنابراین خدا سالار تمام این امور است. توجه می‌کنید؟ و ما صرفاً به عنوان سفیران وی فعالیت می‌کنیم چنانکه شاهدید همین پایین و در قالب همین مناصب.

۲۳۲. خواهش...

پرسش بعدی و پس از آن به یک پرسش دیگر می‌پردازیم و سپس تمام خواهیم کرد.

لطفاً توضیح دهید که شیوه‌ی نمود عطای زبان‌ها در کلیسای ما چگونه باید باشد. این را توضیح دادم. کلیسا باید چه زمان نظم پیدا کند تحت عنوان... یا اینکه میدان فعالیت و ظهور این عطایا کجاست؟ پیش‌تر این مسائل را توضیح دادیم.

۲۳۳. چه تعداد ک-ر-ی-س-م... می توانی نگاه کنی ببینی چه نوشته؟ ابرادر بیلی پل می گوید: «آلات». به آلات موسیقی. به غیر از ارگ و پیانو باید چه تعداد آلات موسیقی و ساز در کلیسا داشته باشیم؟

۱۴۵ خوب بستگی دارد که آیا ارکستر ساز زهی در اختیار دارید یا وسایل دیگری دارید ببینید... نمی دانم چه در اختیار دارید یا معنی اش چیست، متوجه نمی شوم. ولی ارگ و پیانو جزو اموال کلیساست. بله، اگر رهبر و گرداننده ی سرود فکر کند که باید ترومپت و بوق و نظایر آن داشته باشد و کسی به کلیسا بیاید و نوازنده ی آن آلات باشد... و اگر در قالب یک گروه باشند آن موقع صد البته بر عهده ی شما اعضای هیئت امناء است تا موضوع را بررسی کنید و ببینید که آیا برای خرید سازها و ابزار آلات و نظایر آن پول دارید یا خیر. حدس می زنم که سؤالشان همین بود.

۱۴۶ اگر آنها خود ساز داشته باشند، عالی است. اگر ساز خودشان نباشد و در اینجا عضو یک گروه سرود هستند... چنین نیست که یک نفر وارد شود و هر چند وقت یک بار سازی بنوازد و بعد هم به همین شکل راهش را بگیرد و برود، باید در چهارچوب گروه سرود و موسیقی کلیسا باشد. کلیسا برای شخصی که قرار است سازش را اینجا بنوازد و فردا شب جایی دیگر و جاهای دیگر ترومپت نمی خرد، این طور که هر چند وقت یک بار اینجا بیاید و کمی نوازندگی کند. خیر، آقا. باید همین جا در قالب یک گروه منظم و متشکل با یک سرپرست و رهبر فعالیت کنند آنگاه می توانید با کلیسا و مسئولان مربوطه درباره ی خرید ساز و آلات موسیقی گفتگو کنید.

۲۳۴. لطفاً توضیح دهید که ما چگونه... ما شماس ها چگونه می توانیم مردم را در مقدس حفظ کنیم قبل یا بعد... لطفاً توضیح دهید. ابرادر بیلی پل سؤال را می خواند: «شماس ها به چه شکل پیش و پس از کلیسا مردم را در مقدس آرام نگه می دارند؟» - گروه تألیف. آ. بله، بسیار خوب.

۱۴۷ برادران، پیشنهادم این است. حال، این مسئله مهم و قابل توجه است. کاش وقت داشتیم و می توانستیم زمان بیشتری به این مهم اختصاص دهیم چرا که این... همان طور که می بینید این موضوع برای ما حائز اهمیت است. باری، کلیسا جایی نیست که...

۱۴۸ اگر دلتان می خواهد... اگر مایل بودید یکی از شب ها این نوار را پیش از جلسات گذاشته و پخش کنید تا مردم مطلب را درک کنند، مانعی ندارد و بگذارید پخش شود فقط این بخش از نوار را بگذارید و نه بیشتر، فقط همین قسمت را. هر بخش از آن را که می خواهید برای مسئله ای معین پخش کنید، قبلش نوار را عقب و جلو کنید تا آن قسمت مشخص را پیدا و سپس آن قسمت را پخش کنید. توجه دارید؟ چون اینها سؤال و پرسش هستند.

۱۴۹ باری، همان طور که گفتم شماسان کلیسا در حکم پلیس های کلیسا هستند. ولی کلیسا یک ساختمان اجتماعات عمومی برای معاشرت و مراوده ی دوستانه و تفریح و جست و خیز نیست. کلیسا مقدس پروردگار است! ما به اینجا می آییم... پس اگر

خواهان دیدار با همدیگر هستیم بگذارید این‌طور باشد که من به خانه‌ی شما بیایم و شما به منزل من تشریف بیاورید یا اینکه بروید خانه‌ی یک نفر دیگر و با هم دیدار کنید. برادران، این کار که فضای کلیسا محل تفریح و مهمه‌شود و مردم مشغول گفت و شنود و این قبیل کارها باشند صحیح نیست. وقتی وارد این مکان می‌شویم ذهن خود را از همه‌ی این امور خالی می‌کنیم. اگر بخواهیم به اینجا بیاییم...

۱۵۰ به راه و رسمی که در گذشته داشتیم بنگرید. خواهر گرتی پیاپیست بودند. وقتی در اینجا شبانی می‌کردم، مجبور بودم در آن واحد شبان، شماس، امین و تمام اینها باشم ولی از روی اجبار باید به این شکل عمل می‌کردم. اما اکنون شما مجبور نیستید به این ترتیب عمل کنید چون مردانی را دارید که بتوانند از پس این کارها برآیند. ولی وقتی... کسانی را داشتیم که دربنانی می‌کردند، برادر استوار و همه‌ی آنها مقابل در بودند. آنجا کنار در تعدادی کتاب داشتند که روی هم قرار گرفته بود و روی یک صندلی یا چیزی دیگر می‌نشستند. وقتی شخصی وارد می‌شد محل اویزان کردن کتشان را به آنها نشان می‌دادند یا کمکشان می‌کردند بنشینند و سرودنامه‌ای به آنها می‌دادند و از آنها می‌خواستند «در دعا باشند» و بعد همه روی صندلی خود می‌نشستند و تا زمان شروع جلسه در سکوت دعا می‌کردند. توجه کردید؟ و سپس وقت شروع، نوازنده‌ی پیانو یعنی خواهر گرتی آن بالا می‌رفتند و نواختن موسیقی را شروع می‌کردند قبل از... در همان حال که مردم جمع می‌شدند.

۱۵۱ پیشنهادم این است که نوازنده‌ی ارگ ما با یک موسیقی خوب و زیبا آن بالا برود. اگر نمی‌تواند حاضر شود آن را روی نوار ضبط کنید و بعد پخش کنید یا به شکلی دیگر. موسیقی دلنشین و مقدسی بگذارید. در نتیجه... از مردم بخواهید... اگر مردم مشغول صحبت هستند و سر و صدا می‌کنند یکی از شماس‌ها بالا پشت میکروفن که روی تریبون است، بایستد و بگوید: «آرام، آرام، آرام.» به همین شکل. بگوید: «دلما می‌خواهد برای پرستش و عبادت به این خیمه تشریف بیاورید. پس سر و صدا نکنیم و به موسیقی گوش کنیم. بر روی یک صندلی بنشینید و در موضع احترام بمانید، دعا کنید یا کتاب مقدس بخوانید. اینجا این مقدس، جایی است که خدا در آن سکونت دارد. دلما می‌خواهد همگان به راستی در موضع احترام باشند و پرستش کنند نه اینکه به این سو و آن سو بدونند و قبل از جلسات مشغول صحبت باشند. به مانند یک جماعت گرد هم بیایید شما برای گفتگو با خدا به اینجا می‌آید. توجه دارید؟ یا در سکوت دعا کنید و یا کتاب مقدس را بخوانید.»

۱۵۲ وقتی به کلیسای مربل که آنجا، جایی بالای... حتماً نام آقای نورمن وینسنت پیل به گوشتان خورده است. رفته بودم به... همان‌طور که می‌دانید روانشناس و معلم بزرگی است. به کلیسایش رفته بودم و در آنجا فکر کردم: «کاش خیمه‌ی من دوباره به این شکل عمل کند.» به محض اینکه وارد می‌شدید، شماس‌هایشان را می‌دیدید که کنار در ایستاده‌اند. و صد البته آنها تکه کاغذی مربوط به مدرسه‌ی یکشنبه به شما می‌دادند و شما را می‌بردند به قسمت... می‌دانید، مجبور بودند سه بار آنجا را خالی کنند چون آنجا فقط گنجایش چهارصد تا پانصد نفر را داشت. نیویورک بزرگ است

و او شخص محبوبی است. و فکر می‌کنم مجبور بودند یک کلاس را ساعت ده دایر کنند و کلاس دیگر را ساعت یازده، همان موعظه تکرار می‌شد. جلساتی که عیناً به همان شکل و با همان برگه کاغذ برگزار می‌شد. ولی وقتی مردم را مرخص می‌کردند، به مدت (فکر می‌کنم) پنج دقیقه وقت داشتند تا کلیسا کاملاً... تا وقتی آنها خارج نمی‌شدند کسی نمی‌توانست وارد شود، آنگاه شماس‌ها راه را باز می‌کردند و کلیسا برای جلسه‌ای دیگر پر می‌شد. می‌دانید از آن صندلی‌های قدیمی مخصوص فضاهای تجمع داشتند، به این شکل وارد می‌شدند و روی نیمکت‌های صندوقی می‌نشستند. قدیمی بود، دوپست سالی می‌شود که برپاست به گمانم کلیسای کهن مربل همین قدر قدمت دارد.

۱۵۳ و از هر جای آن کلیسا می‌توانستید صدای افتادن یک سوزن ته‌گرد را بشنوید، فضا به این شکل بود که حداقل سی دقیقه قبل از نواخته شدن اولین نُت ارگ و قطعه‌ای آغازین، همه در حال دعا بودند. می‌بینید؟ و همگان در دعا بودند. با خودم فکر کردم: «فوق‌العاده است!» سپس وقتی آن خادم... آن قطعه‌ای آغازین حدوداً... فکر می‌کنم قطعه‌ای آغازین را حدود سه تا پنج دقیقه اجرا کردند، سرود چه عظیم هستی یا سرودی دیگر. سپس همه دعا کردند و به قطعه‌ای آغازین گوش سپردند. چنانکه می‌بینید این کار حال و هوا را تغییر داد، از دعا به قطعه‌ای پیش‌درآمد. سپس وقتی آن را اجرا کردند گرداننده‌ی گروه کُر آمد و گروه کُر را رهبری کرد. در ادامه یک سرود همراه با جماعت و گروه کُر داشتند. و بعد برای کلاس مدرسه‌ی یکشنبه خود آماده بودند. می‌بینید؟ و بعد که تمام می‌شد در تمام مدت هیچ چیز جز پرستش الهی در جریان نبود و ما هم برای همین به آنجا رفته بودیم.

۱۵۴ و به نظرم خوب می‌شود اگر کلیسای ما... و می‌گویم که ما قبل‌تر... ما این کار را خواهیم کرد. بیاییم به همین ترتیب عمل کنیم. اگر کسی می‌خواهد کاری انجام دهد و می‌گوید: «به نظرم فکر خوبی است.» اگر فکر خوبی است پس انجامش دهید. توجه دارید؟ نمی‌خواهیم چیزی که خوب است را به تأخیر بیندازیم، ما در هر حال آن کار را انجام خواهیم داد. ملاحظه می‌کنید؟ پس فقط این روند را ادامه دهید و همان‌جا بایستید و اگر شروع کار صبح یا چنین موقعی باشد و مردم هنگام دیدار مشغول صحبت شدند آن موقع یک نفر یا یکی از شماس‌ها یا یکی از افراد باید آن بالا برود و بگوید: «طبق مقرراتی که اینجا در این خیمه گذاشتند...»

۱۵۵ اطلاع ندارم که آیا این کار را می‌کنند یا نه، شاید انجام دهند. می‌بینید من هیچ وقت اینجا نیستم و خبر ندارم. هیچ وقت قبل از جلسات اینجا حضور ندارم.

۱۵۶ وقتی مردم وارد می‌شوند و شروع به صحبت می‌کنند، بگذارید یک نفر آن بالا برود و بگوید: «آرام، سکوت، ساکت، یک لحظه.» ملاحظه می‌کنید؟ بگذارید... یک خواهر بی‌ادعا را بیاورید، او را بالا بفرستید تا موسیقی بنوازد. اگر امکان این کار وجود ندارد موسیقی را روی نوار ضبط و همان‌جا پخش کنید، همان موسیقی ارگ را. و بگویید: «اکنون ما... قانون جدیدی در خیمه وضع شده است. به موجب آن قرار نیست وقتی جماعت به اینجا می‌آیند زمزمه یا گفت و شنود کنیم بلکه بناست پرستش

داشته باشیم. توجه می‌کنید؟ باری، تا دقایقی دیگر جلسه شروع خواهد شد. تا آن موقع یا کتاب مقدس خود را بخوانید یا سرتان را خم کنید و در سکوت دعا کنید.» چند بار که به همین ترتیب عمل شود همگی این مطلب را خواهند دانست. ملاحظه می‌کنید؟ می‌بینید؟

۱۵۷ می‌شنوید که یک نفر دارد حرف می‌زند، با تذکر دادن این رفتارها کمتر می‌شود و مدتی پس از آن به سختی می‌توان شاهد بود که کسی حرف می‌زند و در نهایت دیگر کسی حرف نمی‌زند. عنایت دارید که در چنین مواقعی یکی از شماس‌ها باید بلند شود و بگوید: «از شما خواهش می‌کنیم که در زمان جلسه در دعا باشید.» متوجه هستید؟ می‌بینید؟ ببینید اینجا مکان گفت و شنود نیست، اینجا مکان پرستش است. درک می‌کنید؟

به گمانم همین بود. لطفاً توضیح دهید... بله. یک نگاهی ببندازم. بله. لطفاً توضیح دهید چگونه... شماس‌ها باید... در مقدّس. بله، همین و تمام. درستش این است. همین.

بسیار خوب، اکنون رسیدیم به آخرین پرسش.

۲۳۵. برادر برانهام، وقتی در خصوص ابتدای جلسات فرصت‌هایی داشتیم... من... شکا... نه... شکایاتی داشتیم...

واقعاً ریز نوشته شده است. و «شکایاتی داشتیم» همین نیست؟ ابرادر بیلی پل می‌گوید: «بله، آری» و در ادامه به برادر برانهام کمک می‌کند تا نوشته‌ی ریز را بخواند- گروه تألیف.]

... در ابتدای جلسه شکایاتی داشتیم. اجازه دهید ببینم. ما-ما-ما سروده‌ها، شهادت‌ها، دعاها، درخواست دعا، سرودخوانی ویژه و... شاید می‌رسیدیم... ساعت یازده به زمان ارائه پیغام می‌رسیدیم... یا بعد از آن ولی وقت زیادی برای کلام نبود. برخی از مردم بی‌تاب می‌شوند و باید قبل از پایان [جلسه] بروند... لطفاً توضیح دهید که چند سرود بخوانیم و چه ساعتی پیغام را آغاز کنیم. گاهی اوقات درخواست دعا داریم که به جلسه‌ی شهادت ختم می‌شود پاره‌ای از این امور که... در آن زمان صحیح به نظر نمی‌رسد.

۱۵۸ حال، امیدوارم که این مطلب درست به من منتقل شده باشد. بیلی سعی می‌کند کمک کند. روی نوار شما... از حضار جلسه آنها که به آنچه بازگو شد گوش می‌کنند... اکنون بیلی سعی دارد کمک کند تا این متن را بخوانم چون خیلی خیلی ریز نوشته شده است و نمی‌توانم به خوبی تشخیص دهم. کلیات مطلب آن‌طور که متوجه شدم از این قرار است: «پیش از آغاز جلسه تعداد سرودها چقدر باید باشد و جلسه در چه زمانی باید آغاز شود؟»

۱۵۹ بلی اولین کاری که دلم می‌خواهد همین‌جا انجام دهم، اعتراف است. وقتی اشتباه می‌کنم، دوست دارم قبول کنم که: «اشتباه می‌کنم.» توجه کردید؟ و همین‌جا می‌خواهم اعتراف کنم که «خودم به نحوی سردمدار این روال بودم.» چون همان‌طور

که شاهدید، من بودم که با برگزاری این قبیل جلسات طولانی این عادت را وارد کلیسا کردم ولی نباید به این شکل باشد. پس توجه داشته باشید که من دارم... من هستم که... داشتم به همه‌ی شما می‌گفتم که: «اگر خدا بخواهد از همین یکشنبه شب به بعد زمانی در حدود سی تا چهل دقیقه را برای طولانی‌ترین جلساتم در نظر گرفته و اختصاص می‌دهم و چنانچه ناگزیر شوم یک هفته بیشتر می‌مانم.»

۱۶۰ چون پی برده‌ام اگر جلسه‌ای را که... برگزار می‌شود و پیغام با قوت ارائه می‌شود خیلی طول بدهید مردم را خسته می‌کنید و آنها متوجه مطالب نخواهند شد... دلیل اینکه من هم چنین... همیشه این را می‌دانستم. ملاحظه می‌کنید؟ موفق‌ترین سخنوران کسانی هستند که دقیقاً... عیسی مردی گزیده‌گو بود، به موعظت‌ش بنگرید. به موعظت پولس نگاه کنید. در روز پنطیکاست احتمالاً پانزده دقیقه وقت صرف کرد و چنان کوبید... این کار سه هزار جان را روانه پادشاهی خدا کرد. دقت دارید که درست و یکراست به هدف زد. توجه دارید؟

۱۶۱ من-من مقصرم. دلیل اینکه به این شکل عمل کردم این نبود که روش دیگری نمی‌دانستم چنانکه می‌بینید در حال ضبط نوارها هستم و این نوارها برای ساعت‌ها و ساعت‌ها و ساعت‌هایی که از پی هم فراخواهند رسید در خانه‌ها پخش خواهد شد. ولی همان‌طور که روز یکشنبه‌ی آینده متوجه خواهید شد دلیل این کارهایم این بود که به خاطر پیغام این زمان و دوران، باری عظیم بر روی دوشم سنگینی می‌کند یعنی بابت رساندن و اشاعه‌ی آن. اکنون پیغام ارائه شده و حالا از اول سال به بعد جلساتم حدود سی دقیقه خواهد بود... هر جا که بروم سعی خواهم کرد ساعت را روی سی دقیقه تنظیم کنم یا در حدی که از چهل دقیقه بیشتر نشود. سریع و ضربتی سراغ پیغام می‌روم و مردم را به مذبح دعوت می‌کنم اگر... یا هر کار دیگری که لازم باشد را انجام می‌دهم یا اینکه صف دعا تشکیل می‌دهم. قرار نیست وقت زیادی صرف شود چون مردم را خسته می‌کنید. این را می‌دانم.

۱۶۲ ولی این را هم در نظر داشته باشید. حدس می‌زنم که تعداد کسانی که در طول سال بلند شدند و رفتند به دوازده نفر هم نمی‌رسد گاهی جماعت را دو یا سه ساعت نگه می‌دارم. ملاحظه می‌کنید؟ درست است. چون چنانکه می‌بینید داریم این نوارها که به سراسر دنیا می‌روند را ارسال می‌کنیم. و مردم آن نقاط خواهند نشست و ساعت‌ها به امور الهی گوش خواهند سپرد یعنی خادمان و امثال آنها، در آلمان، سوئیس، آفریقا، آسیا و همه جا به آن گوش خواهند داد.

۱۶۳ ولی عنایت داشته باشید که در خصوص مقدّس و کلیسا... همه چیز درست است. اگر برای تولید یک نوار در اینجا حضور دارید و یک کاست دو ساعته در اختیار دارید، یک پیغام دو ساعته روی آن بگذارید ولی اگر برای چنین موردی نوار تولید نمی‌کنید پس پیغام خود را کوتاه می‌کنیم، توجه دارید؟ پیغام خود را کوتاه کنیم. دلیلش را به شما می‌گویم؛ عده‌ای سریع‌تر به سیری رسیده و اشباع می‌شوند، شماری ظرف مدتی طولانی اشباع می‌شوند. می‌بینید همین‌طور است و لازم است میان این سر تا آن سر طیف حد وسطی رضایت‌بخش را نگه دارید.

۱۶۴ حال چه بسیار پیش می‌آید که جلساتمان را با مراسم بازگویی شهادت‌های طولانی و پر شاخ و برگ تباه می‌کنیم این را می‌دانم که خودم بابت انجام این کار مقصرم. و در گذشته زمانی که جلسات خیابانی برگزار می‌کردید، بیرون می‌رفتید و برادر مستی آنجا حضور داشت. او می‌ایستد... و از او درخواست می‌کنید تا دعایی کند و او در دعایش شهردار شهر، فرماندار ایالت، رئیس جمهور و هر شخصی مانند آن را یاد می‌کند و همچنین برای همه‌ی شبان‌های آن حوالی، چنانکه می‌دانید، تک تک و به تعداد و برای خواهر جونز که در بیمارستان است و موارد مشابه [دعا می‌کند] و مردمی که ایستاده‌اند از کنار جلسه‌ی خیابانی می‌گذرند و به قدم زدن ادامه می‌دهند. توجه دارید؟ او صرفاً آنها را خسته کرده بود. ما صرفاً اگر چه...

۱۶۵ توجه داشته باشید که اکنون اصل کار به عبارتی دعای اصلی و طولانی شما باید در رازگهان باشد. دعایتان برای تمام... وارد خلوت اتاق شوید در را ببندید. آنجاست که... اگر می‌خواهید تمام روز و شب یا برای دو ساعت دعا کنید جایش آنجاست. ولی اینجا جایی که نگاه مردم متوجه شماست، کوتاه دعا کنید و یکر است به اصل مطلب بپردازید. تمام جلسه‌ی خود را... بیشترین زمان جلسه‌ی خود را به کلام اختصاص دهید. اصل کار همین است! کلام را با حداکثر قدرت و کوبندگی که در خود سراغ دارید ارائه کنید، می‌بینید؟ کلام را به مردم برسانید.

۱۶۶ بله پیشنهادم چنین است. حال یادتان باشد که اعتراف کردم که خودم سردمدار این رویه بودم و بابت آن مقصرم. با این حال به شما توضیح دادم که دلیل این کارم چه بود، من در حال ضبط و تولید نوارهای دو ساعته‌ای هستم که به آن سوی آب‌ها و همه جا ارسال خواهد شد و فحوائی پیغام را تشکیل می‌دهد و شما شاهد این مهم هستید. ولی کلیسای نباید از این رویه الگوبرداری کند (پیغامی که اینجا در خیمه ارائه می‌شود) یعنی از آن نوارها (دو ساعته) که قرار است به جاهای مختلف برود و همین‌طور بیرون داده شود.

۱۶۷ حال نظمی که شما... بگذارید یک مثال بزنم. اشکالی ندارد یک پیشنهاد مطرح کنم؟ منظورم این است که کلیسای باید دره‌ایش را در یک زمان مشخص باز کند، بگذارید جماعت وارد و سرودها پخش شود. افراد برای دید و بازدید نیایند بلکه برای پرستش. و پس از آن هم اجازه ندهید گفت و شنود کنند به آنها بگویید: «مرخص و خارج شوید، گفت و شنود نهی شده است. اگر خواهان گفت و شنود هستید، بیرون فضا هست. ولی اینجا مقدس و مکان مقدس است باید آن را پاک و بی‌آلایش نگاه داشت.» آری، اگر روح خداوند در اینجا عمل می‌کند باید حضور روح خداوند را حفظ کرد. توجه دارید؟ و به این ترتیب آن روح الهی عمل خواهد کرد. می‌توانید سخنانم را یادداشت کنید. اگر چنانکه باید عمل نکنید فرجام کار سقوط و فروریختن خواهد بود حتماً همین‌طور خواهد شد. بیاییم ترتیب لازم را حفظ کنیم. این تکلیف بر دوش ماست و برای همین امشب اینجا حضور دارم. این مهم را در هماهنگی با آن احکام حفظ کنید.

۱۶۸ حال دقت کنید، می‌خواهم این مطلب را بگویم. معمولاً جز زمانی که به طور خاص در حال توزیع... به مردم اطلاع دهید که قرار است یک نوار ضبط کنید. ملاحظه می‌کنید؟ باری، چنانچه برادر نویل پیغامی دارند و قرار است آن را اینجا... اگر پیغامی دارند که دلشان می‌خواهد آن را از طریق نوار یا چنین چیزی به عموم مردم برسانند، به جماعت چنین اطلاع دهید: «آری، روز یکشنبه‌ی آینده یک نوار دو ساعته ضبط خواهیم کرد.» یا یک نوار سه ساعته یا هر قدر که باشد. «قرار است یک نوار دو یا سه ساعته آماده کنیم.» یا هر چه که قرار است باشد، «یکشنبه شب آینده.» و به این ترتیب مردم در جریان قرار می‌گیرند. و وقتی می‌آیند بگویند: «بله، امشب قرار است یک نوار ضبط کنیم. اینجا پیغامی دارم و چیزی است که دلم می‌خواهد ضبط و پخش شود. حس می‌کنم که برای رساندن این پیغام و اعلام آن هدایت شده‌ام. قرار است ضبط شود شاید دو یا سه ساعت طول بکشد یا هر اندازه که قرار است باشد.» همین را بگویند.

۱۶۹ ولی در حالت عادی درست همان‌طور که موقع رفتن به جایی عمل می‌کنم، مانند یکی از جلسات بازگنان یا وقتی آن بیرون در جلسات خودم برای صف دعا حاضر می‌شوم... اگر آنجا بایستم و در یک جلسه‌ی شبانه پیش از آغاز خدمت شفا سه ساعت پیغام بدهم، می‌توانید تصوّر کنید که کارم به کجا می‌رسد؟ توجه دارید؟ و چنین است که مردم... که شب بعد شمار جماعت حاضر به نصف کاهش می‌یابد. ملاحظه می‌کنید؟ چون مردم نمی‌توانند زمان طولانی آنجا باشند باید سر کار بروند و غیره.

۱۷۰ پیشنهادم این است که در حالت عادی... اکنون دیشب شاهد موعظه‌ی برادر نویل بودم. حال می‌دانم که همگی به این مهم واقفند که پیغام بهت‌انگیز و تکان‌دهنده‌ای بود. از روی آن یادداشت برداشتم و یادداشت‌ها را اینجا در جیبم گذاشتم تا برای سایر موعظت‌های خود از آنها استفاده کنم. درست است. پیغام راه‌گریز شگفت‌انگیز بود. ملاحظه کردید با چه سرعتی این بحث را جمع کرد؟ عنایت دارید که ظرف حدود سی و پنج دقیقه کار را تمام کرده بود. توجه دارید؟ حال، این امر به جا بود. بله، پیغام‌های برادر نویل معمولاً به همین شکل است. چنانکه عنایت دارید خیلی طولانی نیست. ملاحظه می‌کنید؟ ولی وقتی پیش از اعلام اصل مطلب به تفصیل و شاخ و برگ دادن بپردازید در واقع مرگ جلسه‌ی خود را رقم زده‌اید. دقت می‌کنید؟

۱۷۱ باری، وقتی چنین می‌کنید... حال، می‌دانم... اینک توجه کنید... قصد بی‌حرمتی به شما ائمه یا شماس‌ها یا شبان را ندارم اما یک چیز به شما می‌گویم: ببینید چه چیز حق و از جنس آن حقیقت الهی است، همان باید انجام شود. حال شما... همگی شما افراد خوش‌طینت و دوست‌داشتنی هستید، همه‌ی شما آقایان، خوش‌طینت و رؤوف هستید. اگر چنین نبود می‌گفتم: «همه غیر از برادر فلانی، او رؤوف و خوش‌طینت نیست و همه برایش دعا می‌کنیم.» ولی شما دارای سرشت نیکو هستید، مردانی بردبار، مشفق و آرام. این خیلی خوب است ولی نباید در این زمینه دلیل باشید.

۱۷۲ عیسی هم خوش‌طینت و رؤوف بود ولی وقتی زمان بیان مسائل رسید گفت: «مکتوب است که خانه‌ی پدر من خانه‌ی دعا نامیده می‌شود لیکن شما مغاره‌ی

دزدانش ساخته‌اید.» ملاحظه می‌کنید؟ عنایت دارید که او می‌دانست چه زمان لب به سخن بگشاید و چه زمان نه. پس باید چنین کنیم. توجه دارید؟ هرگز شخصی همانند عیسی پیدا نشد، او خدا بود. یادتان باشد که او حتی... از شماس بودن در کلیسا صحبت کنید، او-او وضعیت را تحت کنترل خود درآورد! او چند طناب را به هم بافت و منتظر ماند تا آن مردم را با ملایمت و شفقت بیرون بیندازد، او آنها را با ضرب و زور از خانه‌ی خدا بیرون کرد. پس او نقش یک شماس را بازی کرد تا الگویی برای شما شماس‌ها باشد. توجه دارید؟ او الگوی شما بود. «مکتوب است که خانه‌ی پدر من خانه‌ی دعا نامیده می‌شود.» حال، یادتان باشد آنجا عیسی شماس اعظم بود، پیداست عیسی همانند یک شماس نقش‌آفرینی می‌کرد.

۱۷۳ وقتی در جایگاه شبان قرار گرفت چه گفت؟ «شما فریسیان کور کوران را راهنمایی می‌کنید!» توجه دارید که او آنجا نقش یک شبان را دارد.

۱۷۴ آنجا که به مردم از اموری که قرار بود واقع شود خبر داد، در مقام یک نبی انجام وظیفه کرد. توجه می‌کنید؟

۱۷۵ وقتی درباره‌ی لزوم پرداخت خراج از او سؤال کردند، نقش یک امین و یکی از امناء را داشت: «پطرس، به کنار دریاچه برو و قلابی بینداز و اولین ماهی که بیرون می‌آید را گرفته و دهانش را باز کن، سکه‌ای خواهی یافت، آن را بابت دیون تعیین شده، بابت دیون مشروع خودت بپرداز.» گفت: «مال قیصر را به قیصر دهید و مال خدا را به خدا.»

۱۷۶ او همزمان شبان، نبی، امین و شماس اعظم بود. حتماً چنین بوده! از آنجا که خود شاهدید که چه کرد پس بگذارید الگو و مبنای عمل شما در این خانه و در خیمه‌ی برانهام همین باشد. و از آن رو خواسته‌ی ما چنین است که این مکان خانه‌ای باشد که خدا در آن در تمام امور جلال و حرمت می‌یابد، در هر مقام و جایگاه، طوری که نیاز به جبران [هیچ اشتباهی] نباشد. شفقت، حلاوت، مهربانی تمام اینها باید باشد ولی یک حریم و خط هست که مرز این امور را مشخص می‌کند یعنی آنجا که هر کس در موضع مأموریتی خود انجام وظیفه می‌کند. توجه دارید؟ رویه درست همین است، روالی که او می‌پسندد همین است. او هرگز غیبت و پشت‌سرگویی نکرد. هرگاه زمان گفتن مطلبی رسید مشخص کرد که چه چیز مصداق دارد. هرگاه زمان شفقت نشان دادن شد، شفقت نشان داد. او دلنشین، مهربان، درک‌کننده و دلسوز بود ولی در کارش جدیت و قاطعیت داشت و برای او همه چیز تا ریزترین جزئیات باید درست می‌بود، او این کار را کرد تا الگویی برای شما باشد. حال این نکته را روح‌القدس به من رساند. چون پیش از این هیچ‌گاه چیزی در این باره به ذهنم نرسیده بود و به شماس بودن او فکر نکرده بودم ولی [شماس] بود، او آنجا به عنوان یک شماس عمل کرد.

۱۷۷ باری، سخنم این است که اگر شروع جلسات شما از ساعت هفت و سی دقیقه است، اگر زمانش همین است پس ساختمان کلیسای خود را نیم ساعت زودتر باز کنید یعنی از ساعت هفت. بگذارید نوازنده‌ی پیانو... به نوازنده‌ی ارگ بگویید... آیا بانوی نوازنده حقوق می‌دهید؟ آیا همگی به نوازنده‌ی ارگ دستمزد می‌دهید؟ آیا

ایشان که پیاپیست باشد، دستمزد می‌گیرد؟ داوطلبانه و با رضایت این کار را می‌کند؟ به نرمی و با ملاحظت این را از او بخواهید. حتی اگر خواهان دریافت دستمزد یا خواهان دریافت چیزی در ازای این کار باشد به او بگویید درخواست ما این است که نیم ساعت زودتر از آغاز جلسه اینجا حضور یابد. و اگر بگوید: «خوب، نمی‌توانم» یا چنین چیزی و شکایت کند در آن صورت کافی است او را به اینجا بیاورید و یک نوار از گزیده‌های از موسیقی دلنشین ارگ ضبط کنید. ملاحظه می‌کنید؟ و بگذارید... آن را بگذارید... نیازی نخواهد بود که همیشه اینجا باشد، نوارتان را حاضر کنید. توجه کردید؟ بگذارید یکی از شماس‌ها، امضاء یا کسی که در را باز می‌کند یعنی سرایدار نوار را در دستگاه بگذارد و اجازه دهید هنگام ورود جماعت پخش شود. توجه دارید؟ چون اگر شماس‌ها اینجا نباشند باید یکی از امضاء یا کسی برای انجام این کار اینجا حضور داشته باشد، در ادامه بگذارید به مدت نیم ساعت پخش شود.

۱۷۸ ولی دقیقاً سر ساعت هفت و سی دقیقه باید آن زنگ بالای ساختمان به صدا درآید. دقت می‌کنید؟ هنوز آن زنگ را دارید؟ بله. بسیار خوب، سر ساعت هفت و نیم زنگ را به صدا درآورید و معنی‌اش این است که قدم‌زنان بالا تا پایین کلیسا را طی نخواهیم کرد و با جونزها و دیگران دست نخواهیم داد. رهبر سرود شروع می‌کند! اگر رهبر سرود ندارید، شماس‌ها باید دست به کار شوند و ببینند... یا... ترتیبی دهند که پس از به صدا درآمدن زنگ یک نفر مدیریت سروده‌ها را آغاز کند. «صفحه‌ی فلان و بهمان سرودنامه‌های خود را باز کنید.» توجه دارید؟ باید درست رأس ساعت هفت و سی دقیقه آغاز شود.

۱۷۹ بسیار خوب، در ادامه جماعت یک سرود دسته جمعی بخواند و بعد هم چه بسا فرصت خواندن سرود دسته جمعی دوم هم باشد و بعد هم وقت آن است تا یک نفر که قبلاً تعیین کرده‌اید، در صورت امکان هدایت دعا را بر عهده بگیرد. باید شبان یا... خوب شبان نباید آنجا باشد، رهبر سرود باید این کار را بکند. فکر می‌کنم برادر کیز این سمت را دارد. عنایت دارید که ایشان می‌داند چه کار باید بکند، شایسته است که بگذارد یک نفر سخن بگوید... یا اینکه خودش دعا را هدایت کند. از جماعت بخواهید که در دعا سرپا بایستند، برخیزید و اجازه دهید یک نفر دعا را هدایت کند. پس اگر نبینید...

۱۸۰ اکنون معتقدیم همه باید به خانه‌ی خدا بیایند و دعا کنند، این مکان برای دعاست. ولی وقتی در این مقدس هستید زمان خودتان را مدیریت کنید. توجه می‌کنید؟ مثلاً همه را به اطراف مذبح دعوت می‌کنید و بعد متوجه می‌شوید که یک نفر پانزده تا بیست دقیقه همان‌جا مانده و زمان شما بالکل رو به اتمام خواهد رفت.

۱۸۱ عنایت دارید در خانه باید چنین دعا کنید. عیسی گفت: «چون عبادت کنی مانند ریاکاران نباش و زیاده... که خوش دارند طولانی دعا کنند و چنین و چنان و آن دیگر حرف را بگویند و تمام این کارها را جهت دیده شدن می‌کنند.» ملاحظه می‌کنید؟ گفت: «موقع دعا... وارد حجره شوید، به خلوت حجره داخل شده، در را پشت سر خود

بند و پدر نهن بین خود را عبادت نما و او به گونه‌ای آشکار به تو پاداش خواهد داد.» حال، این راه و رسم عبادت در خفاست، او چنین گفت.

۱۸۲ ولی شما، یک شخص... وقتی مردم وارد می‌شوند جا دارد که رهبر سرود بگوید: «بسیار خوب...» جا دارد که پس از سرود نخست یک نفر دعا کند، هر که هست، تنها یک دعای کوتاه بلند کند. برای همه‌ی فرمانداران و موردهای مشابه دعا نکنید. اگر درخواست دعایی مطرح شده باشد درباره‌ی آن اطلاع‌رسانی کنید، اجازه دهید منتقل شود. باید ارسالش کنند. درخواست را مکتوب کنید. بگویید: «اینجا.» امشب هنگام دعا خواهر فلانی و برادر فلانی را که در بیمارستان است به یاد می‌آوریم و همچنین فلانی و فلانی و فلانی را. وقتی دعا می‌کنید آنها را در دعاهایتان به یاد بیاورید. حال، برادر جونز لطف می‌کنی ما را در دعا هدایت کنی. بیایید سرپا بایستیم.» دقت می‌کنید؟ باید درخواست را روی سکو بگذارید. این موضوع را به مردم بگویید و بگذارید به این مسئله عادت کنند: «اگر درخواست دعا دارید، متن آن را همین بالا بگذارید یعنی اینجا [برادر برانهام بر روی منبر می‌زند-گروه تألیف.] این بالا.» نگوید: «آکنون هر کس درخواست دعا دارد اعلام کند...» همان اول یک نفر بلند می‌شود و می‌گوید: «جلال بر خدا!» می‌دانید به همین ترتیب شروع می‌شود و در پاره‌ای موارد تا به خود می‌آیید نیم ساعت طول می‌کشد تا مردم بنشینند. ملاحظه می‌کنید؟

۱۸۳ ما در قبال این کلیسا مسئولیت داریم نه دیگران، این مسئولیتی است که در پیشگاه خدا داریم. هر یک از این مناصب مسئولیتی است که در برابر خدا دارید. توجه دارید؟ دلیل اینکه امشب و اینجا تمام این مطالب را به شما می‌گویم این است که در برابر خدا مسئولیت دارم، این مسئولیت شماست پس آن را بر دوش بکشید. دقت می‌کنید؟

۱۸۴ باری، وقتی چیزی مانند آن... یک نفر باید دعا را هدایت کند، آنجا که این کار را می‌کنند... خیلی خوب است، بگذارید دعا را هدایت کرده و بنشینند.

۱۸۵ چنانچه به صورت ویژه... حال، این حرف را نخواهم زد، همراهی نخواهم کرد با... ولی اگر کسی بخواهد یک سرود ویژه بخواند موضوع را در کلیسا اعلام کنید. به آنها بگویید: «برای هر سرود ویژه و هر چیزی که دوست دارید بخوانید باید ابتدا پیش از آغاز جلسه‌ی کلیسا با رهبر سرود هماهنگ کنید.» و چنین باشد که... بگویید: «خوب، برادر متأسفم، دوست دارم... دوست دارم این کار را بکنم ولی برای امشب برنامه‌ی ویژه‌ای دارم. شاید اگر به من بگویی که چه شی‌ی اینجا حضور خواهی داشت، درخواست را در برنامه بگنجانم. همان‌طور که عنایت دارای برنامه‌ام را در اینجا مکتوب کرده‌ام.»

۱۸۶ بگذارید برادر کپز یا هر عزیز دیگری سرودخوانی‌ها را اداره کند... باید یک رهبر سرود داشته باشید فارغ از اینکه آن شخص کیست. به افراد اجازه ندهید که بلند شوند و نطق کنند و شلوغ بازی راه بیندازند و به گونه‌ای رفتار کنند که گویی واعظ هستند. [رهبران سرود] باید همان‌جا بلند شده و سرودها و سرودخوانی‌ها را اداره کنند، کار آنها همین است.

۱۸۷ عنایت دارید که وظیفه‌ی شبان موعظه کردن است و نه رهبری سرود. او نباید درگیر مدیریت سرود شود، مدیریت سرودها کار رهبر سرود است. او مسئول است و باید در حالی که تحت مسح روح‌القدس قرار گرفته، از دفتری که آنجاست یا هر جا بیرون بیاید یعنی وقتی ساعت مورد نظر فرامی‌رسد. حتی لزومی ندارد که زمان چنین اموری روی سکو حضور داشته باشد. بگذارید در دفتر آن پشت یا این پشت یا هر جا که هست باشد و وقتش که شد از طریق سیستم اینترکام اینجا مطلع خواهد شد. وقتی شنید که آن آخرین... اگر به عنوان سرود سوم خود یک اجرای ویژه از نوع سولو یا دوئت [اجرای دو نفره] یا چنین چیزی باشد. ملاحظه می‌کنید؟

۱۸۸ به این ترتیب دو سرود دسته جمعی می‌خوانید، دعا می‌کنید و هدایا را می‌گیرید، آن هم در صورتی که برنامه‌ای برای دریافت آن داشته باشید. هر شخص باید سر موضع مأموریتی که برایش تعریف شده استقرار یابد. بگویید: «بسیار خوب، اکنون همان‌طور که این سرود آخر را می‌خوانیم اگر دربان‌ها آماده‌اند، لطفاً برای جمع‌آوری هدایای شامگاه تشریف بیاورند.» ملاحظه می‌کنید؟ وقتی خواندن سرود را به پایان رساندند، دربان‌ها اینجا می‌ایستند. بگویید: «بسیار خوب، اینک دعا خواهیم کرد و دل‌مان می‌خواهد اینجا هنگام دعا فلان شخص و همچنین بهمان شخص را به یاد بیاوریم.» این را به همین شکل قرائت کنید به همین شکل. «بسیار خوب همگان سرپا بایستند. برادر آیا ما را در دعا هدایت خواهی کرد؟» و بعد هم تمام می‌شود.

۱۸۹ هنگامی که مشغول خواندن سرود دوم هستید یا مشغول خواندن چیز دیگر ترجیحاً همان موقع هدایا را دریافت کنید البته اگر قصد دریافت هدایا را دارید. رها کنید... به این ترتیب پیش‌خواهم رفت: سرود نخست خود را که خواندید در ادامه هدایای شامگاه را جمع می‌کنید و سپس سرود دوم خود را می‌خوانید و بعد هم ادامه‌ی کار. با این حساب اجازه دهید که سرود آخری که اینجا خوانده می‌شود به منزله‌ی دعوت از شبان باشد. به محض اینکه سرود نهایی خوانده شد، آن قطعه‌ی آغازین با ارگ نواخته شود و شبان شما وارد شود. چنانکه مشاهده می‌کنید همه چیز طبق نظم است. همه ساکت هستند و آرام گرفته‌اند. دیگر حرفی برای گفتن نیست. تک‌تک شماس‌ها در موضع مأموریتی خود مستقر شده‌اند. شبان آنجا ایستاده است.

۱۹۰ به این ترتیب او می‌آید، به حاضرین سلام می‌کند، سراغ کتاب مقدس خود می‌رود و می‌گوید: «امشب مطلبی از کتاب مقدس را قرائت می‌کنیم.» همان‌طور که مشاهده می‌کنید پس از بالا رفتن می‌گوید: «مطلبی را از کتاب مقدس قرائت می‌کنیم.» و خوب است اگر هر از چندگاهی بگویید: «بیا بیا به احترام کلام خدا حین مطالعه‌ی کلام الهی سرپا بایستیم.» و سپس بگویید: «امشب فرازی از کتاب مزامیر را می‌خوانم.» یا هر بخش دیگر را. یا اینکه اجازه دهید یک نفر دیگر آن را قرائت کند، رهبر [سرود] یکی از همکارها یا یکی که آنجا و همراه شماس است، اجازه دهید او آن را قرائت کند. با این حال اگر می‌توانید بهتر است خودتان آن را قرائت کنید. بعد آن را به این شکل قرائت کنید و سپس به موضوعی که در نظر گرفته‌اید بپردازید. ملاحظه می‌کنید؟ کمابیش مدت زمان سی دقیقه را گذرانده‌اید و ساعت تقریباً هشت تمام است.

۱۹۱ و از ساعت هشت تا حدود یک ربع به نُه، به مدت حدود سی تا چهل و پنج دقیقه کلام را به همان شکل که روح القدس آن را به شما بازگو کرده، اعلام کنید. آن را درست به همان ترتیب مطابق آنچه او می گوید در محل مورد نظر جای دهید، به عبارتی بر حسب آنچه تحت مسح گفته می شود.

۱۹۲ سپس فراخوان آمدن به مذبیح را اعلام کرده و بگویید: «اگر اینجا کسی مایل است مسیح را به عنوان منجی بپذیرد، اکنون او را به مذبیح دعوت می کنیم، از شما می خواهیم تشریف بیاورید کافی است بلند شوید.» ملاحظه می کنید؟

۱۹۳ و اگر کسی بلند نشد، بگویید: «اینجا کسی هست که قبلاً توبه کرده و داوطلب تعمید باشد کسی که دلش بخواهد جهت آمرزش گناهان تعمید آب بگیرد؟ اگر خواهان آمدن هستید اکنون این فرصت را به شما می دهیم. آیا اکنون که اجرای ارگ هنوز ادامه دارد تشریف خواهید آورد؟» توجه می کنید؟

۱۹۴ [اگر] کسی نیامد آنگاه بگویید: «آیا اینجا کسی هست که بخواهد... که هرگز از روح القدس تعمید نیافته و امشب مشتاق این تجربه باشد و دلش بخواهد برایش دعا کنیم؟» خوب، چه بسا یک نفر بالا بیاید و آنگاه دو یا سه نفر روی آنها دست بگذارند و برایشان دعا کنند. آنها را یگراست به یکی از آن اتاقها بفرستید، یک نفر همراهشان باشد تا راه رسیدن به تعمید روح القدس را بیاموزند. این مسئله در فضای خلوتی به دور از جماعت انجام می شود. آن موقع جماعت دور از آنهاست.

۱۹۵ اگر کسی برای این بیاید که... بخواهد مسیح را بپذیرد و آنجا پای مذبیح ایستاده باشد تا برایش دعا کنند... بگذارید دعا کنند. وقتی این کار انجام شد، بگویید: «سرهای خود را خم کنید، می خواهیم دعا کنیم.» بگویید: «آیا ایمان داری؟»

۱۹۶ در صورت مشاهدهی کوچکترین موردی که به هر نحوی می تواند جماعت را معطل کند، آن اشخاص را به اتاق دعا دعوت کنید و خودتان همراه آنها بروید یا کسی را همراه آنها به آنجا بفرستید. و بگذارید جماعت به همین شکل به کار خود ادامه دهد، به این شکل به هیچ وجه آنها را معطل نکرده اید. ملاحظه می کنید؟

۱۹۷ و آنگاه در حالی که... پیش از... در اندک... سپس بگویید، اگر کسی نیامد آنگاه بگویید: «کسی هست که بخواهد به خاطر بیماری اش با روغن مسح شود؟ در اینجا برای بیماران دعا می کنیم.»

۱۹۸ «بسیار خوب، برادر نویل مایلم به صورت خصوصی با شما دیدار کنم.»

«بسیار خوب، می توانید در دفتر ملاقاتم کنید. با یکی از شماس ها هماهنگ کنید و او ترتیب این کار را خواهد داد.»

«برادر مسئله ای هست که دلم می خواهد آن را با شما در میان بگذارم.»

«خوب، یکی از شماس های اینجا شما را تا دفتر همراهی خواهد کرد و ما... بلافاصله پس از جلسه با شما دیدار خواهیم کرد.»

۱۹۹ «اینک می‌ایستیم تا جلسه خاتمه پیدا کند.» چنانکه می‌بینید. کل زمانی که آنجا بودید در مجموع بیشتر از یک ساعت و چهل و پنج دقیقه نشده است. توجه دارید؟ همان‌طور که مشاهده می‌کنید، ظرف یک ساعت و سی دقیقه جلسه شما تمام می‌شود. سریع و تأثیرگذار بوده‌اید، آنچه بایسته و اثرگذار است را ارائه کرده‌اید. کاری کردید... که همه راضی هستند و با حس خوب به خانه می‌روند. ملاحظه می‌کنید؟ اگر چنین عمل نکنید اگر اجازه دهید... همان‌طور که شاهدید نیت شما خیر است ولی...

۲۰۰ می‌دانید، حدوداً سی و سه سال می‌شود که بر روی سکو می‌روم، سی و سه سال، آن هم در اقصی نقاط دنیا. یقیناً در این مدت طولانی چیزهایی می‌آموزید. ملاحظه می‌کنید؟ اگر نیاموزید بهتر است کناره‌گیری کنید. بنابراین همان‌طور که عنایت دارید، به این مهم پی برده‌ام. اگر تنها با مقدسان سر و کار داشته باشید چه بسا بتوانید سراسر شب را در خدمت آنها سپری کنید. آقا در آن صورت اگر دلتان خواست می‌توانید تمام شب را بمانید. ولی شما... چنانکه مشهود است کسانی که با آنها سر و کار دارید دقیقاً واجد چنین مشخصاتی نیستند، چنانکه پیداست کوشش بر این است که افراد دیگر و بیرونی را دریابید. اینها کسانی هستند که می‌خواهید صید کنید پس باید در زمین آنها کار کنید. دقت می‌کنید؟ و کاری نکنید... آنها را اینجا بیاورید و بگذارید کلام جاری شود و به این ترتیب همان‌طور که مشاهده می‌کنید، هیچ جایی برای گلایه نخواهد بود. اگر دوست دارند در رابطه با موضوعی با شما دیدار کنند بسیار خوب مشکلی نیست آنها را به دفتر ببرید ولی جماعت را نگه ندارید.

۲۰۱ بعد همان‌طور که می‌دانید، عده‌ای از مردم برخاسته و خواهند گفت: «خوب، به شما می‌گویم بیاییم یک جلسه‌ی خوب برای بازگویی شهادت‌ها بگذاریم.» ملاحظه می‌کنید؟ منظورم از بیان این نکته انتقاد نیست هدفم این است که حقیقت را به شما بگویم. هدفم این است که حقیقت را به شما بگویم. توجه دارید؟ نکته‌ای که به آن پی برده‌ام این است که گاه جلسات شهادت‌دهی بیشتر زیان می‌رسانند تا سود. عنایت دارید که واقعاً همین‌طور است.

۲۰۲ این فرض را در نظر بگیریم کسی در جلسه‌ی بیداری برای بیان شهادتی آتشین شوق داشته باشد. خودتان می‌دانید که در جریان برگزاری جلسه‌های بیداری چنین می‌شود، پس اگر کسی که در این میان نجات پیدا کرده، خواهان بیان چند کلمه باشد، این امر جای شکر دارد پس اجازه دهید آنچه در وجودش هست را بیرون بریزد. توجه دارید؟ اگر در جریان یک جلسه‌ی بیداری دلش خواست چنین کند و بگوید: «لم می‌خواهد بگویم؛ خداوند را بابت کاری که برایم کرد شاکرم. او هفته‌ی گذشته نجاتم داد و آتش جلال پروردگار در قلبم شعله‌ور است. شکر به درگاه پروردگار.» و بعد می‌نشیند. آمین! این رویه خوب است به همین شکل پیش بروید. چنانکه می‌بینید این رویه کاملاً درست و خوب است.

۲۰۳ ولی وقتی می‌گویید: «حال تشریف بیاور. نفر بعدی کیست؟ بعدی کیست؟ اکنون به یک شهادت گوش می‌دهیم.» بله اگر یک جلسه را به این کار اختصاص داده‌اید به این معنی که یک شب مشخص را برای همین کار در نظر گرفته‌اید، توجه داشته

باشید که قرار است... می‌توانید بگویید: «امشب... چهارشنبه شب آینده به جای جلسه‌ی دعا قرار است جلسه‌ی شهادت‌دهی داشته باشیم. دوست داریم همه بیایند، جلسه‌ی شهادت‌دهی در پیش است.» وقتی به محل شهادت‌دهی آمدند کلام را قرائت کرده و دعا کنید و سپس بگویید: «حال، همان‌طور که اعلام کردیم امشب شب شهادت‌دهی است.» به این ترتیب بگذارید مردم در طول آن یک ساعت یا چهل دقیقه یا سی دقیقه یا هر مقدار که هست، شهادت دهند و سپس به همین ترتیب کار را پیش ببرید. متوجه منظوم هستید؟ فکر می‌کنم این کار برای جماعت شما کمک‌کننده و مفید خواهد بود، برای تمام امور مفید خواهد بود به شرطی که کار را به همین ترتیب انجام دهید.

۲۰۴ هم اکنون... دیر هنگام است بنابراین... برادرها-برادران، به اندازه‌ی دانش خویش به این پرسش‌ها پرداختم. می‌توانم بینم چه در دل دارید، این بیشینه‌ی دانسته‌هایم در خصوص سؤالات مطروحه بود. پس از حالا به بعد مطلع هستید. و اگر چیزی ذهنتان را درگیر کرد به نوار مراجعه کنید. برسید... به نوار گوش کنید. خواه به وظیفه‌ی شماس‌ها مربوط باشد یا اماناء یا هر مورد دیگر، نوار را پخش کنید... اگر اعضای جماعت مایل به گوش دادن به آن هستند، اجازه دهید برای آنها هم پخش شود. بسیار خوب. آنچه گفتم بیشینه‌ی دانشم بود در خصوص اراده‌ی خدا برای این خیمه که در گذر هشتم پن استریت واقع شده و طبق همین روال شما برادران را مأمور می‌کنم تا این مهم را تحت هدایت روح‌القدس در نهایت مهر و محبت اجرا کنید، این رفتار آشکارکننده‌ی متانت شما در برابر مردم و نشان‌دهنده‌ی مسیحی بودن شماست. و مسیحی به معنی کودک خردسالی که بتوان به هر جا سوقش داد نیست، مسیحی یعنی «شخصی سرشار از محبت، کسی که وجودش سرشار از عشق به خداست و به همان شکل نیز از مهر به جماعت پر شده است.» متوجه منظوم می‌شوید؟

۲۰۵ کسی سؤالی دارد؟ فضای خالی نوار تقریباً تمام شده است، آن طرف هم کسی منتظر است. چه زمانی قرار بود آنجا باشیم؟ [بیلی پل پاسخ می‌دهد: «همین حالا.» - گروه تألیف.] همین حالا. خودش شخصاً می‌آید؟ [بیلی پل پاسخ می‌دهد: «دنبالش خواهم رفت.»] بسیار خوب. بسیار خوب، آقا.

۲۰۶ پس اگر بدانم که سخن دیگری نمانده، همین حالا مرخص می‌شویم. بله؟ پس اگر سخنی باقی نیست مرخص می‌شویم. بله. بله برادر کالینز؟ [برادر کالینز می‌گوید: «شاید بهتر باشد نوار را خاموش کنیم.» - گروه تألیف.] بسیار خوب. [فضای خالی بر روی نوار.]

۲۰۷ بسیار خوب برادران، امشب کنار شما بودن برایم موجب امتنان بود، کنار برادر نویل و شماسان و اماناء و سرپرست مدرسه‌ی یکشنبه و همگی شما. اطمینان داریم که خداوند اکنون به یاری شما خواهد آمد تا بتوانید این احکام را برای پادشاهی خدا اجرا کنید. فکر می‌کنم که شما روند رشد از طفولیت به بزرگسالی را طی کرده‌اید، برای همین این حرف را زدم. وقتی طفل بودید چون طفل سخن می‌گفتید و درک و فهم شما کودکانه بود. ولی اکنون مرد شده‌اید پس بیاییم در خانه‌ی خدا بالغانه و چنانکه شایسته است رفتار کنیم و برای مناصب خویش و هر منصبی حرمت قائل باشیم. جا

دارد هر عطایی که خدا به ما بخشیده را تحت نظم بیاوریم و با عطایا و مناصب خویش پروردگار را مورد تکریم قرار دهیم.

دعا کنیم.

۲۰۸ ای پدر آسمانی، امشب تو را بابت این گردهمایی سپاس می‌گوییم، بابت جمع شدن عزیزانی که اینجا در مناصبی گماشته شده‌اند تا مجری کار [محو] خداوند باشند، کاری که اینجا در جفرسونویل و این کلیسا انجام می‌شود. پروردگارا، باشد که دستت بر ایشان باشد و ایشان را امداد فرمایی و برکت دهی. باشد که جماعت و مردم درک کنند که این مطالب برای بهبودبخشی به ملکوت خداست تا بلکه بدل به مردانی صاحب فهم شویم و روح خدا را بشناسیم و بدانیم چه کار باید کرد. پدر، عطا فرما. اینک ما را همراه با برکاتت مرخص فرما و باشد که روح‌القدس از ما مراقبت و محافظت فرموده و هدایتمان نماید و باشد که همواره وفادارانه در موضع انجام وظیفه‌ی خود مستقر شویم. این دعا را به نام عیسی مسیح طلبیدیم. آمین.



نظم کلیسا FRS63-1226

(Church Order)

در باب رهنمونی، نظم و تعلیم کلیسا

برادر ویلیام ماریون برانهام این پیغام را به زبان انگلیسی در عصر پنج‌شنبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۲ در خیمه برانهام در جفرسون ویل ایالت ایندیانا آمریکا ایراد کردند. این پیغام در یک نوار مغناطیسی ضبط شد و به شکل کامل به زبان انگلیسی به چاپ رسید. برگردان فارسی این اثر با کوشش انتشارات Voice Of God Recordings چاپ و پخش می‌گردد.

FARSI

©2019 VGR, ALL RIGHTS RESERVED

VOICE OF GOD RECORDINGS

P.O. Box 950, JEFFERSONVILLE, INDIANA 47131 U.S.A.

www.branham.org